

راه مجاهد

● دکتر شریعتی از دیدگاه

آیت الله خامنه‌ای

● بخشهایی از خاطرات برادر

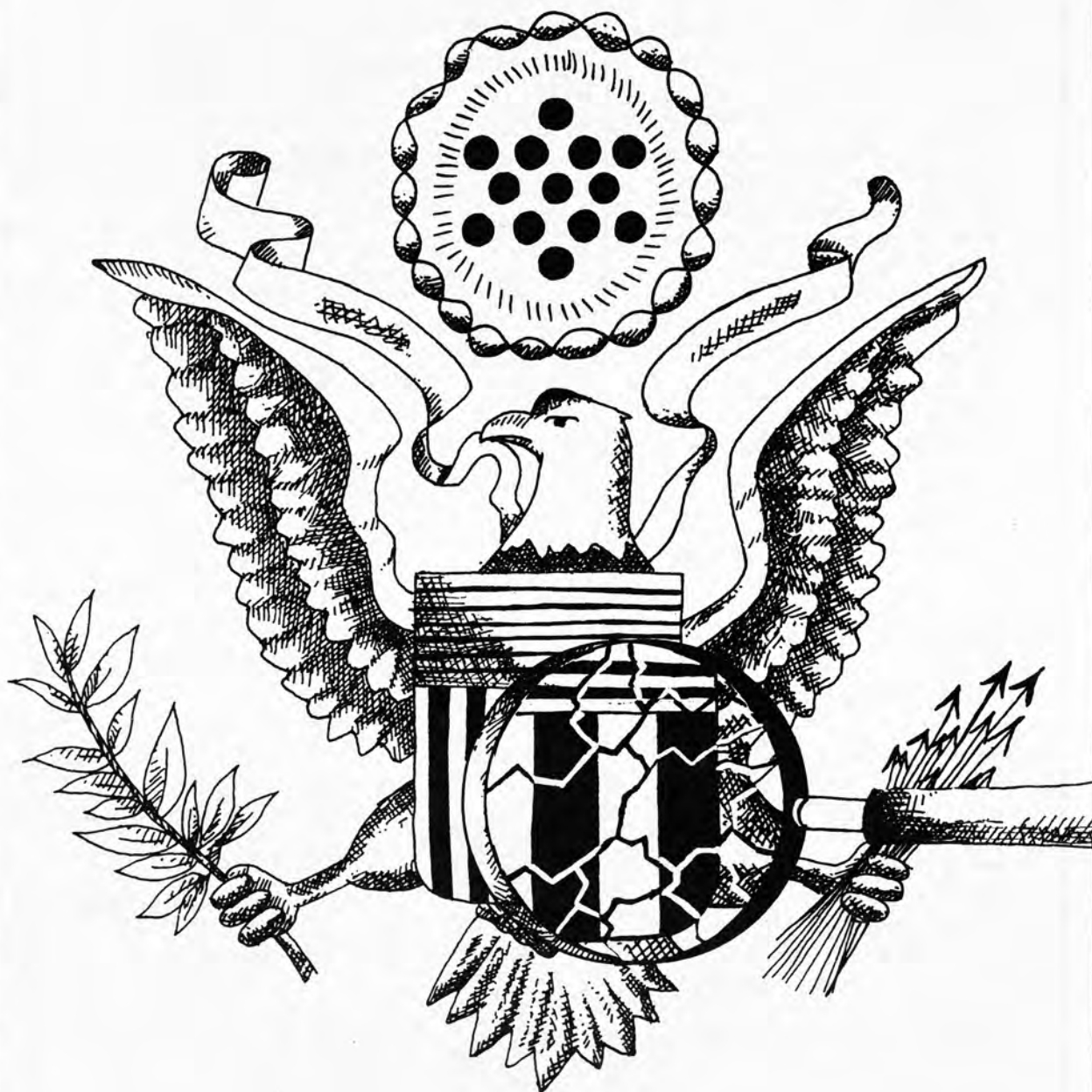
میثمی از شهید بهشتی

● خاطرات و خطرات راهیابی

به جبهه

● تحلیل راجر کوپراز

اوضاع ایران



بیتنا



شماره: ۱۱، ۳۱، ۰۲
تاریخ: ۵۸ - ۴ - ۲۸
پست

۵۲ لطف الله میثی
مناصب: اعجاز نظریه راه مجاهد
سلام طبکم

با توجه به ۵۰۰ صفحه ۱۳۶۵/۳/۲۱۱ حتی بر پایه ای انطباق با قانون چه به طبعیات
سبب استنداده ۱۳۶۴ به اطلاع سرمان به منظور اجرای ماده ۱۷ این ماده
طالمان با ۵۰۰ صفحه ۱۳۶۵/۳/۲۱۱ عبارتت از طبعیات به صورت رسیده گس
فراگرفته و داده استعاران بفرجه بلا مانع اعلام کرده به

میراب الهیان
سردست اداره کل مطبوعات و نشریات
۲۸/۴/۵۸

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف الله میثی
روش: سیاسی ایدئولوژیک-چاپ: رودگی
آدرس: توجه شود که راه مجاهد به علت کمبود امکانات
دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر
مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون
مطبوعات و مراجع وزارت ارشاد معرفی میگردد
تفقا می شود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی
۱۷۱۸۵/۵۴۴ و با تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرد
تهران، خیروی (آبمنگل)، کاسم گللی
کاخون طباطبائی پ ۲۶- ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلیه برادران و خواهرانى كه علاقمند به اشتراك باشند به
"راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تمایل کتبی خود
را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند.
بهای اشتراك:

اشتراک سالانه (ایران) ۱۵۰ تومان
اشتراک سالانه (امریکا) ۴۰۰ تومان
اشتراک سالانه (اروپا) ۳۵۰ تومان
لطفاً وجه اشتراك را ضمناً با از طریق آشنایان در ایران
به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹
بانک صادرات شعبه میدان قیام به نام لطف الله میثی
حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال
فرمائید. لطفاً توجه خود را با پست مالی ارسال
نفرمائید.

کما نیکه توان پرداخت بهای نشریه ندارند، با ما
مکاتبه کنند تا نشریه بطور امانتی برایشان ارسال شود.

۳ ● ناگفته ها یی ز تاریخ انقلاب (بخشها یی از خاطرات
برادر میثی شهید بهشتی)

۶ ● خاطرات و خطرات راه یی بی به جبهه - یاد شهیدان نعمان
راگرا میبدا ریم

۹ ● روش تحلیل و ریشه یی بی اختلافات

● خبرنامه استراتژیک

۱۲ ● فرازها یی ز بیانات آیت الله خا منسه ای به
منا سبت روزکنا رگرو معلم

۱۲ ● بیانییه دفتر تحکیم وحدت در مورد آ زادی راجر کوپر

۱۳ ● تحلیل را جر کوپرا زا و ضاع ایران

۱۴ ● غرض و رزیهای خطرناک پیرامون قانون انتخابات

۱۵ ● سخنان آقای ناطق نوری در مورد سلام

۱۵ ● نطق قبل از دستور آقای صغر زاده

۱۶ ● تذکراتی پیرامون اهداف و سالی م سازی اقتصاد کشور -
نطق قبل از دستور آقای لویری

۱۶ ● نطق قبل از دستور آقای صالح آبادی

۱۷ ● مصاحبه آیت الله خویی با خبرنگار ربی بی سی

۱۸ ● ارزیابی چا مسکی (منتقد سرشناس سیاست خارجی
امریکا) از نظم نوین جهانی.

۱۸ ● سخنرانی آقای بهزاد نبوی در مشهد

۱۹ ● دکتر شریعتی ز دیدگاه آیت الله خا منه ای

۲۱ ● پاسخ به خوانندگان

● معرفی کتاب



ناگفته‌هایی از تاریخ انقلاب

بخشهایی از خاطرات برادر میثمی از شهید بهشتی (۱)

آنچه از نظرتان می‌گذرد، بخشی از خاطراتی است که برادر لطف‌الله میثمی به یاد دارند. از آنجا که این خاطرات حاوی مسائل و نکات ناگفته‌ای از مسائل مبارزاتی سال‌های ۴۰ به بعد و برخی ابعاد مبارزاتی شهید بهشتی است، درج این خاطرات را مناسب ندیم. با این امید که دیگران نیز با بیان ناگفته‌هایی از تاریخ انقلاب در جهت تدوین این حرکت بزرگ گام بردارند. لازم به توضیح است که این مباحثه در زمستان سال ۶۸ انجام شده است.

س - برادر میثمی از شهید بهشتی چه خاطراتی دارید؟
ج - بسم الله الرحمن الرحيم، اول با بداین مطلب را ذکر بکنم که هر کس به شخصیت‌هایی که در انقلاب بوده‌اند و یا بیرون از انقلاب بوده‌اند از زاویه برخوردی که خود داشته‌است، نگاه می‌کند و بیان کننده شخصیت کامل آن فرد نیست. من نیز خاطراتی از ایشان دارم و برخوردهایی هم شخصاً با ایشان داشته‌ام و به نظرم گفتن آنها هم از این جهت ضروری است که شاید به تحلیل انقلاب کمک بکند و برای نسل جوان هم حتماً مفید است. روز ۳۰ تیر که مردم اصفهان قیام کردند شهید بهشتی هم به عنوان یک طلبه در این قیام شرکت داشتند و از آنجا که قدبلندی هم داشتند، پلیس ایشان را بهتر هم می‌دید و مثل اینکه مورد ضرب و شتم پلیس هم قرار گرفته بودند. حرکت اجتماعی ایشان شاید از همان حرکت مردم در نهضت ملی و قیام ۳۰ تیر شروع شده و از آنجا منشاء گرفته باشد. منظورم از حرکت اجتماعی، وارد شدن ایشان به صحنه سیاست می‌باشد. خاطره بعدی که از ایشان دارم خاطره‌ای از سخنرانی ایشان در جلسات ماهانه است. جلسات سخنرانی بود که در سال‌های ۴۰ و ۴۱ تشکیل می‌شد. در همین خیابان مدرس

امتداد میدان بهارستان بغل پمپ بنزین کوچه‌ای بود به نام کوچه پروین خانم آقای نوید (یکی از دوستان حاج علی بابایی) که خانه نسبتاً بزرگی هم بود. در آنجا هر ماه یکبار از روحانیون خوش نام آن زمانها، روحانیونی که روشنفکر و اهل مبارزه بودند و صحبت‌های جدیدی برای نسل جوان داشتند، برای سخنرانی در آنجا دعوت می‌شدند. مثلاً چند جلسه شهید مطهری آمدند، چند جلسه مرحوم طالقانی آمدند و روی قرآن و هدایت نسل جوان صحبت کردند. یک جلسه مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای که کتاب یک شب و یک روز تا شورا را نوشته‌اند آمدند یک جلسه مرحوم سید موسی صدر از جنوب لبنان آمدند و در آنجا صحبت کردند. یک جلسه سید مرتضی جزایری راجع به تحریف تاریخ صحبت کرد. یک جلسه شهید بهشتی صحبت کردند. موضوع صحبتش حالا یادم نیست گویا علم و دین بود. ولی مطالب بدیعی داشتند که به درد نسل جوان می‌خورد و نوع بیانشان هم جوان پسند بود و بچه‌های انجمن اسلامی دانشجویان هم مؤلف بودند که بیابند و در این جلسات ما هانه شرکت کنند. سخنرانی‌هایی که شهید مطهری در این جلسات ما هانه کردند گویا در جلد یکم مجموعه آثار ایشان موجود است. یک کتابی هم بنام گفتار ما هانه چاپ شده است. این سخنرانی‌ها، سخنرانی‌های خوبی است و اگر کسی بخواهد روشنفکر مذهبی در ایران را تحلیل کند خیلی سودر می‌خورد. مجموعه این سخنرانی‌های ما هانه در پرورش فکری جوانان و نسلی که طالب اسلام راهنمای عمل بود خیلی نقش داشت. بعد از آن و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی انجمن‌های اسلامی که عبارت بودند از انجمن اسلامی مهندسی، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی دانشجویان و گروه دکتر شهاب پور کنگره‌ای تشکیل دادند که نتیجه این

کنگره همین کتاب "مرجعیت و روحانیت" شد. در آنجا ما با مهندس بازرگان صحبت می‌کردیم گفتیم برویم از اصفهان چند ما حب نظر بیاوریم. مثلاً صحبت از مرحوم آقای اشنی بود. صحبت از مرحوم آقای خادمی بود. صحبت از مرحوم شهید بهشتی بود. مهندس بازرگان می‌گفت: با زردمان اینها آقای بهشتی در مسائل اجتماعی بهتر است و اگر بخواهید دعوت کنید او مناسبتر است. در این کنگره ما در دعوت سخنرانها فعال بودیم. البته ایشان به کنگره نیامدند و سخنرانی هم نداشتند. ولی خواستم در همینجا دیدگاه مهندس بازرگان را در سال ۴۰ نسبت به شهید بهشتی بگویم. بعد وقتی حرکت روحانیت مبارز پیش آمد، وقیام ۱۵ خرداد روی داد. و امام به زندان افتادند. تا بیست شهید حنیف نژاد به منزل ما آمده بود و منزل ما آن موقع در خیابان ادیب الممالک بود. آن شب صحبت بود که بحران ما این است که مایک خط مشی قرآنی می‌خواهیم. مردم قیام کرده‌اند، اسلامی‌اند. ولی مایک خط مشی اسلامی هم لازم داریم و خط مشی اسلامی را هم باید از قرآن در بیاوریم. آن زمان در خانه ما جلسات انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان برگزار بود و آقای رضا اصفهانی می‌آمدند و جلسات را اداره می‌کردند. آنجا هم همه صحبت از این بود که خط مشی قرآنی ما چی باشد؟ یاد می‌آید که با شهید حنیف نژاد مطرح کردم که، محمد خوب است همانطور که اسلام و قرآن مردم را طبقه بندی کرده‌اند ما هم بدانیم که در شرایط فعلی کافر چه کسی است؟ منافق کینست و مؤمن کدام است؟ ما باید اینها را برای خودمان مشخص بکنیم. تا بتوانیم یک خط مشی اسلامی داشته باشیم. اگر نتوانیم اینها را تعیین نکنیم نمی‌توانیم خط مشی اسلامی داشته باشیم. بعد گفتیم چکار کنیم؟ چکار

کنیم؟ بادم هست که خودم پیشنهاد کردم که بطور است برویم با روحانیون برخورد کنیم و از آنها در این مورد سؤال کنیم. گفتیم برویم قم. با هم رفتیم قم و بادم هست که محمد آقا در راه هم یک قرآن در حیش بود مطالعه می‌کرد و با هم بحث می‌کردیم آنجا یکی رفتیم سراغ آقای حیدر علی قلمداران که کتاب رصفان آسمانها را نوشته بود. شنیده بودیم که او با خرافات مذهبی مخالف است و شاید بتواند ما را کمک کند. او که نتوانست به ما کمک کند. بعد ایشان آقای سید هادی خسروشاهی رفتیم. سید هادی خسروشاهی با شهید حنیف نژاد دوست بود، همشهری و دوست بودند و در کنگره‌های انجمن‌های اسلامی هم خیلی با هم محشور بودند و حنیف نژاد فهمیده بود که او برداشت‌هایی نو از اسلام دارد. او هم یک آخوند سیاسی بود. هم روزنامه‌ها را مطالعه می‌کرد. و طالب پیوند بین دانشجوها و طلبه‌ها بود. مثلاً خود من یکی از اعلامیه‌های نهضت آزادی را که بعد از حرکت روحانیت منتشر شده بود به ایشان دادم. و او آن را چند بار در حوضه علمیه تکثیر کرد. بین ما و او پیوند خوبی برقرار بود. یعنی هر وقت به قم می‌رفتیم به‌خانه‌ای که او داشت می‌رفتیم. بعد گفتیم برویم پیش آیت‌الله ربانی و آقای بهشتی. برای دیدن آقای بهشتی به مدرسه دین و دانش رفتیم. ایشان آن موقع مدیر مدرسه بودند. مدرسه‌ای مثل مدرسه علوی در تهران. منتها در سطح دبستان، اگر اشتباه نکنم مدرسه بودند دبیرستان. رفتیم مدرسه ایشان در دفتر مدرسه پشت میز نشسته بودند و بعد از سلام و علیک اسم ما را پرسیدند. آشنایی دادیم و گفتیم از تهران آمده‌ایم برای این قضیه که واقعاً خط مشی اسلامی چیست و بنظر ما رسیده است که بدانیم حال منافق کینست

کا فرکیست؟ و مؤمن کیست؟ اگر این سه تا برای ما مشخص بشود می توانیم یک خط مشی اسلامی داشته باشیم. ایشان گفتند که این مسئله، مسئله خیلی قابل فکری است، مسئله قابل تأملی است. در دفترتیا داداششان با داداش کردند و گفتند با دشمن روی اینها فکری کنیم ولی جوابی به ما ندادند یا راهنمایی هم در این زمینه به ما نکردند. بعد گفتیم حالا با یکدیگر رگردد؟ گفتند که حالا بهتر است جوانها اصول دین بخوانند، توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت، کتابهای اصول دین بخوانند و در این زمینهها محکم شوند. گفتیم خوب در این زمینهها چه کتابی بهتر است؟ گفتند به نظر من کتاب راه طی شده مهندس بازرگان بهترین کتابی است که در اصول دین به فارسی نوشته شده است. و الحق و الانصاف ایشان یک تنه و بدون کمک دیگران دست به این کار زده است و کارا رزنده ای انجام داده و شما سعی کنید همین را خیلی خوب بخوانید. بعد با حنیف نژاد در فکرم در مسجد ایتا لله بروردی نشستیم، کمی با هم صحبت کردیم و شما زخواستیم و گفتیم برویم تهران. با دم هست در آن تویسوس مجموع برخوردها بمان را جمع بندی کردم و به این نتیجه رسیدیم که با بسد بیشتر به خودمان تکیه کنیم. آن روحانیونی که ما آنها را در تهران می شناختیم و می آمدند در انجمن اسلامی صحبت می کردند در این زمینهها نمی توانستند کمکی به ما بکنند. این روحانیون هم آمدیم دیدیم در این زمینهها کمکی به ما نکردند و در رابطه با اسلام راهنمای عمل و در آوردن خط مشی از قرآن باید خیلی به خودمان تکیه کنیم. ولی این توصیه شهید بهشتی در حنیف نژاد به این صورت تحقق پیدا کرد که در کلاسهای انجمن اسلامی دانشجویان کتاب "راه طی شده" مهندس بازرگان را به صورت تیمی می خوانند. دسته جمعی خوانده می شد و بحث می شد و وقتی هم که دسته جمعی خوانده می شد واقعاً آدم می فهمید که چقدر مطالب رزنده و عمیقی دارد. خلاصه بحث انگیز بود. این کتابها گاهی به صورت فردی خوانده می شد. و از روی مطالب آن ساده ردمی شدیم. ولی وقتی به صورت تیمی و چند نفره خوانده می شد و در کلاس می خواندیم و بحث می کردیم خیلی اثرات خوبی داشت. مثلاً من خودم با دم هست که سال ۴۳ بعد از آزادی از زندان اداره یکی از کلاسهای انجمن اسلامی دانشگاه فنی را برعهده من گذاشتند که در آن کلاس شهیدنا صرا دق، محمود احمدی و قریبی شرکت داشتند. بچه های بی بودند که یک عده شان شهید شدند، عده ای مبارز شدند. کار ما این

بود که قرآن را با ترجمه می خواندیم. خواندن و بحث روی راه طی شده را هم شروع کرده بودیم که برای خود من هم خیلی آموزش بود.

س - وقتی شما این سئوالها را به شهید بهشتی دادید او ایشان با داداش کردند آیا بعداً برای گرفتن جواب هم مراجعه کردید؟ یا سالهای بعد که ایشان را دیدید آیا این سئوالها را تکرار نکردید؟

ج - نه، ما از مجموعه برخوردهای سی که در قم با افرادی که به سیاسی بودن مشهور بودند، به اصطلاح آخوندهای سیاسی واجتماعی، داشتیم به این نتیجه رسیدیم که در این زمینهها فکری نکرده اند و نمی توانستند کمکی به ما بکنند و بعداً هم برگشتیم قم سئوال کنیم که

به عنوان کتابی که به فارسی نوشته شده و برای نسل جوان مفید است به ما معرفی کردند. ما هم شروع به کار روی کتاب مهندس بازرگان کردیم. البته بعدها حنیف نژاد خیلی روی کتاب مهندس بازرگان کار کرد. از همین کتاب "راه طی شده" و ذره بی انتها" سه سری سئوال و سه سری جواب (در مراتب مختلف) برای عضوگیری در سازمان مجاهدین تنظیم کرد. این سئوالها را به بچه های ما دادند. با دم هست وقتی در سال ۴۸ با مهندس بازرگان برخورد داشتند و این سئوالها و جوابها را به مهندس بازرگان داده بودند مهندس گفته بود که شما شاگردهای بی بودید که حالا استاد شدید و کار زیادی کرده اید.

س - شما از فعالیتهای مرحوم بهشتی

گفتند که حالا بهتر است جوانها اصول دین بخوانند، توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت، کتابهای اصول دین بخوانند و در این زمینهها محکم شوند، گفتیم خوب در این زمینهها چه کتابی بهتر است؟ گفتند: به نظر من کتاب راه طی شده مهندس بازرگان بهترین کتابی است که در اصول دین به فارسی نوشته شده است و الحق و الانصاف ایشان یک تنه و بدون کمک دیگران دست به این کار زده است و کارا رزنده ای انجام داده است و شما سعی کنید همین را خیلی خوب بخوانید.

در مقطع سال ۴۲ و در مسائلی که حول و حوش ۱۵ خرداد وجود آمد چه طبعی داری؟

ج - از این موضوع من اطلاع چندانی ندارم. من آن موقع از اینکها ایشان با مؤتلفه همکاری داشتند، مطلع نبودم. بعدها شنیدم که با مؤتلفه همکاری داشته اند و از ترور منصور هم اطلاع داشته اند و به ما زمان ندهی مؤتلفه کمک کرده اند ولی آن موقع ما از این مسائل اطلاع نداشتیم.

س - از اینکه مرحوم بهشتی با مؤتلفه همکاری می کردند و طبعاً در مسائل قیام ۱۵ خرداد هم شرکت داشته اند معلوم می شود که تبیینی از کافرومنافق داشته اند. کسی را دشمن می گرفته اند و کسی را منافق می دانسته اند. اگر ممکن است در این رابطه توضیحی بدهید

ج - گفتیم که از مجموعه صحبت های ایشان چیزی که بطور سیستماتیک بتواند با استناد به قرآن مطلبی را ارائه بدهد دستگیرمان نشد. ایشان از مبارزات نهضت ملی که مرحوم آیت الله کاشانی و علمای زیادی در

آیا در این زمینهها فکری کرده اند و می توانستند کمکی به ما بکنند یا نه؟ به این نتیجه رسیده بودیم که با بدنه خودمان متکی باشیم. البته ما آن موقع آیت الله منتظری را نمی شناختیم، یا علماً، دیگر رانمی شناختیم. بیشتر کسانی را که در ارتباط بودیم یکی آقای ناصر مکارم شیرازی بود. مرحوم آقای ربانی بود. آقای سیدها دی خسرو شاهی بود. علمی جتی کرمانی بود و مرحوم آیت الله بهشتی.

س - آیا آن وقتها از مجموع کتابهای آیت الله بهشتی و سخنرانیها ایشان چنین مطالبی استنباط نمی شد. که منافق و مؤمن کیست و نسل جوان چکارها باید بکنند یا سیاست های دوران شاه چکارها باید کرد؟

ج - از مجموعه صحبت های ایشان آن طلبی که داشتیم، آن نیازی که داشتیم، دستگیرمان نشد. ولی آنچه که به ما توصیه کردند این بود که جوانها باید روی اصول دین کار کنند و محکم شوند و کتاب راه طی شده مهندس بازرگان را هم

آن شرکت داشتند و مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری این مبارزات را تا شید می کردند و بخش عظیمی از مردم در این صحنهها فعال شدند و همه مجسمه های شاه را سرنگون کردند. درک کرده بودند که اسلام و "مذهب" و "ملیت" و "مردم" از هم جدا شدنی نیستند. بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد، مردم در میدان بهارستان شعار می دادند: ما پیرو قرآنیم ما شاه نمی خواهیم، یعنی اسلام و حرکت ضد سلطنتی یکی شده و به صورت حالت طبیعی مردم در آن مده بود. اما این نهضت در مردم می لولید. اما اینکها به شیم به قرآن استناد کنیم و آن را راهنمای عمل کنیم و بگوئیم که مبارزه در این مرحله با بیادینطور با شد و حالا مؤمن کیست، منافق کیست و کافر کیست؟ اینطوری جمع بندی کردن و سیستماتیک کردن وجود داشت ولی ما در سایر مبارزات دانشگاهی به این نتیجه رسیده بودیم که به این مرزبندی ها نیاز است و اگر نتوانیم این مرزبندی ها را انجام دهیم نمی توانیم خط مشی خوبی داشته باشیم و کار درازی نکنیم. نمی دانیم که با منافق چه برخوردی با بیادین شده باشیم. با کافر چه برخوردی با بیادین شده باشیم. فتنه سلطنت و شاه را آشکاری بود که همه به آن رسیده بودند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد خیلی آرکا ز بود و بعد از ۱۵ خرداد هم آشکارتر شده بود و در عمیق بیسن مردم و سلطنت بوجود آمده بود و مراجع هم بعد از ۱۵ خرداد داشت با تره تحريم کرده بودند.

س - به نظرم آید که در آن مقطع خط یک سری از روحانیون کافرهای فرهنگی و کارهایی مثل انتشاراتی که بعداً دارا تبلیغ شد و کارها یکی که در مجله مکتب اسلام انجام می دادند بود. یک سری از روحانیون هم سیاسی بودند و سیاسی بودندشان هم از این درمی آمد که یک مرجعی موضع سیاسی علیه رژیم می گرفت آیا بطور مشخص می توانید بگوئید که مرحوم شهید بهشتی در آن مقطع چه خطی داشتند و چه شیوه ای را مطرح می کردند؟

ج - والله برداشت خود من این بود که کارشان تیب مدرسه علوی، کار درازی نسل محصل و اینکه تربیت علمی و دینی آنها با هم یکی نبود. بود. توی این خط بودند، خط فرهنگی مثل آقای گلزاده غفوری که در مدرسه علوی فعال بودند. ایشان هم مدرسه دین و دانش را در قم درست کرده بودند که بچه های که تحصیل می کنند، تحصیل علوم جدید، اینها تربیت دینی هم داشته باشند. بیشتر در این خط فعال بودند ولی خوب بعدها معلوم شد که خط ما می خواهد یک تحول



ونوعی اصلاح‌دینی در حوزه‌ها بوجود بیاورد. این یک مقداری متفاوت بود. بعدها در سال ۵۲ زمانی که در صدمخفی شدن بودم، با ایشان ملاقاتی داشتم، ایشان در وزارت علوم مسئولیتی داشتند. بست و مقامی در مدار بالا داشتند. جزوای نوشته بودند و در آن جزوه را سلام به عنوان "مکتب اسلام" یاد کرده بودند در گریبان با روسای وزارت علوم این بود که آنها می گفتند اسلام را به عنوان مکتب معرفی نکنید. در حدت‌ها دات و اینجور چیزها معرفی کنید بهشتی می گفت من این قید را که اسلام یک مکتب است گنجا ندها موا بین می‌رود در نسخه‌های زینا چاپ می شود و در میان قشر دانش‌آموزی می شود. می گفتند درگیری ما با مسئولین این است که ما می گوئیم اسلام یک مکتب است. (البته لفظ "راه‌نمای عمل" را در رابطه با مکتب به کار نمی‌بردند) ولی آنها می گویند اسلام یک فرهنگ مذهبی است و در حدت این فرهنگ دینی در بجه‌ها باشد و یک معنویتی باشد موضوع را کافسی می دانستند. در این رابطه شهید بهشتی با مسئولین وزارت علوم، اختلافاتی داشتند.

زندگی و حتی کارهای معمولی را هم درست نمی دانستند. با حتی افرادی از مقلدین اما که از رژیم حقوق می‌گرفتند می گفتند با بدین حقوق را به دست مجتهد بهیم تا دست به دست بگردانند و درستش بکنند. یعنی تا این حد در نزدیکی به رژیم سواس داشتند.

چ- خوب، اینها به امام نزدیک بودند و امام را زکا را اینها اطلاع داشتند و اگر کارشان انحرافی بود حتماً به ایشان گوشزد می کردند. شاید حرکتی در خط امام بوده است. شاید آنها تا به نفع خط امام متعام می شده است. من ریز اینها را نمی دانم. خاطر مستقیم بعدی ملاقاتی بود که با ایشان در آلمان داشتم. در مسجدها میورگ، آن موقع من مهندس شرکت نفت بودم و در خلیج فارس به کارهای حفاری مشغول بودم. مرا برای اینکه یک دوره مدرستی طی کنم و ترفیع پیدا کنم، به آمریکا فرستاده بودند. در برگشت از آمریکا از مرخصی استفا ده کردم و به شهر مونت‌در آلمان رفتم. بسخا هر مدرسه آنجا درس می‌خواند از طریق بسخا هر مبلغین شهید بهشتی را گرفتم و تلفنی با ایشان در مسجد ها میورگ صحبت کردم. از اینکه صدای مرا می شنید خیلی خوشحال شد. گفتم می خواهم خدمت برسم. گفتند: بیا شد و آدرس مسجدها دادند و اینکه از راه آهن چه جوری به مسجد بیا شد. ما شب سوار قطار شدیم و به مسجد میورگ رفتیم. صبح به ها میورگ رسیدیم و ساکنم را در راه آهن گذاشتم و به مسجد ها میورگ رفتم و بیا

بن- مطلبی که شما اشاره کردید، یعنی فعالیت مرحوم شهید بهشتی در زمینه پرورش فکری و پرورش دینی دانش‌آموزان، ظاهراً اتفاقی با خط مشی امام (رض) داشت اما بعدها به پیش آمدن قضا یای ۱۵ خرداد همکاری با رژیم را درست نمی دانستند. فکرمی‌کنید مرحوم بهشتی با چه تبیینی در این سطح کار می کرد. کاری که با طبع یک مقداری کار کردن در دستا رژیم هم بود. آیا شما در این رابطه با ایشان صحبتی کردید. ایشان از این موضع چه تبیینی داشتند؟

چ- کسی از بجه‌های مذهبی ایشان راهکار رژیم نمی دانست.

بن- منظور همگاری نیست. امام حتی پنا بردن به ادگای های رژیم برای احقاق حق در مسائل معمولی

است. ایشان توضیحاتی در تلویزیون دادند که در روزنامه‌ها منعکس است. کلاً آن زمانها یک عده از روحانیون را به دست آوردن یکی به زندان می افتاد برخی از روحانیون واسط بودند و این طرف و آن طرف فعالیت می کردند و می رفتند با ساواک و دربار صحبت می کردند و اینها را از زندان بیرون می آوردند. برای فرستادن شهید بهشتی خود آقای خوانساری فعالیت‌هایی کردند. اینجور چیزها مرسوم بود. بجه‌های دانشجو هم که در میسارزات سالهای ۳۹ تا ۴۲ بودند. بعد از ۱۵ خرداد که برای ادامه تحصیل می خواستند به خارج بروند. معمولاً ساواک از آنها اطمینان‌هایی می خواست. بعضی‌ها واسط می شدند، ضمانت می دادند. مثلاً یک افسار تشریحی، تیمساری، روحانی، کسی واسط می شد و ضمانت می داد و اینها به خارج می رفتند. خلاصه اینطور چیزها مرسوم بود.

بن- شما اطلاع دارید که مرحوم بهشتی از چه سالی به آلمان رفت؟

چ- من ایشان را سال ۴۸ در آلمان دیدم. از چه سالی به آلمان رفته بودند نمی دانم. من ایشان را در بهار سال ۴۸ در ها میورگ دیدم. با هم به داخل مسجد رفتیم و یک مقداری با هم صحبت کردیم. سوار ماشین ایشان شدیم. (خودشان را زندگی می کردند) و به یک دکان قصابی که گوشت ذبح‌شده داشت رفتیم مقداری معطل شدیم و گوشت خریدیم و در آنجا با هم صحبت‌های خصوصی تری داشتیم. پرسید که از ایران چه خبر؟ گفتم که والله فکرمی‌کنم که بجه‌های مسلمان و مبارزان به مبارزه مسلحانه و مبارزه مخفی و برانداز رسیده‌اند. ایشان گفتند که به نظرم تنها راهی که می شود تحولی در ایران بوجود آورد این است که این همه نیروهای متخصصی که ما در خارج زکشور داریم، این همه جوانها که دارند تخصصی مختلف می بینند. اگر به ایران برگردند و کارها را درست بگیرند این خودش یک تحولی بوجود می آورد و تکیه زیادی روی نیروهای متخصص و آگاه داشتند. یعنی می شود جمع‌بندی کرد که همان سال ۴۲ که

ما به قم رفتیم و ایشان را در مدرسه دینی و دانش دیدیم. ایشان همین خط مشی را داشت و آن تفکر با این خط مشی هماهنگی داشت. مطلب دیگری که گفتند و جالب بود این بود که گفتند که ۱۵ خرداد واقعاً یک شورش کور بود. و آن مقاله یا سه مقاله‌ای که روزنامه‌ها اطلاعات تحسنت عنوان شورش کور نوشته، درست بود. یک حرکتی بود که به اصطلاحاً زمان یافته نبود. مرحله‌بندی نداشت. البته این

واژه مرحله‌بندی را آن موقع از ایشان نشنیدم. گفتند ما زمان یافته نبود. شعرا مشخصی نداشت و همان چیزی که اطلاعات نوشته بود را تا شنید می کرد. بعد هم صحبت‌های مفصلی داشتیم و ما را سوار ماشین کردند و به رندوسا بیلما را برداشتیم و رفتیم در یک هتل برای ما اتاقی گرفتند. فکرمی‌کنم یک روز آنجا بودم و بعد سوار قطار شدیم و به شهر مونستر برگشتم. وقتی به ایران برگشتم، دیدم که نا مه‌ای به خانه ما آمده است که صاحب خانه آن را با زکرده خوانده بود. حال خوب بود که ما حیفا نه‌مان سیاسی و مطمئن بود. در این نا مه نوشته بود که جناب آقای مهندس میثمی از کمکی که به فعالیت‌های اسلامی این مسجد نمودید خیلی متشکریم و مبلغ صد دلار اصل گردیده. ما هم خیلی شرمند شدیم که دکتر چرا این نا مه را نوشته است ما نمی خواستیم کسی از فعالیت‌های ما مطلع بشود. مسجدها میورگ آن موقع فعالیت سیاسی مذهبی داشت. این نا مه که به خانه ما آمده بود، ما حیفا نه فهمید که ما بمرق اسلامی و مذهبی داریم. به مسجد کمکی می کنیم، به فعالیت‌های مذهبی آنجا کمکی می‌کنیم و این مسئله برای ما زیاده‌دختر است. کشته نبود، ولی خوشبختانه ما حیفا نه سیاسی بود و مسئله را جای دیگری لونی داد. آن موقع من در شرکت نفت جنین وانسود کرده بودم که یک مسلمان معمول در حد نماز و روزه و اخلاق اسلامی هستم. نه اینکه کمکی به مسجدی بکنم که فعالیت سیاسی هم دارد. فعالیت‌هایی که وجهه مبارزاتی هم داشت. مثل انتشارات مجله مکتب مبارزان. مقاله‌های تند هم در آن می نوشتند. از همین مسئله عرق دینی و عرق اسلامی مشخص می شود بهر حال نمی خواستیم که اینجوری مشخص شود. تا راه و اائل بیوستن به بجه‌ها بود بیوسدن تشکیلاتی با بجه‌های مجاهدین آن موقع محکم شده بود. ونمی‌خواستیم که این مسائل آشکار شود. آمد ما ایران سال ۵۵ دستگیر شدیم.

آنچه از نظر نشان گذشت بخش اول خاطرات برادر میثمی از مرحوم شهید بهشتی است جمع‌بندی‌هایی طبعاً منوط به مطالعه کل این خاطرات می باشد.

خاطرات و خطرات راه یابی به جبهه یاد شهیدانمان را گرامی بداریم

به یاد دهمین سالگرد شهادت برادران: بهرام اشتهاردی محمدتقی باقری مسعود پراتی گودرزی

مهدی آرزو مندا رشادی عبدالرضا مهاجری مقدم علی اکبر توکلی مقصود میزایی احد زارع علیرضا سماوات

مسعود مافی عباس پروغنی هادی ملک حسینی

ده سال پیش در این روزها جمع کوچک ما به همراه ملت انقلابی و مسلمان ایران هر روز سوگوارشها دت یکی زهر جمدا ران و سلحشوران اسلام بود. این روزها مصادف با دهمین سالگرد شهادت این شهیدانست. نوشته زیر با بر شمر دن برخی ویژگیها و مظلومیت های این شهیدان سعی بر آن دار دکه با این شهیدان را گرامی بدارد.

جندی قمل یکی ز برادران داستان نحوه راه یافتن خود و عده ای زدوستان را به جبهه های جنگ تعریف می کرد. از آنجا که این داستان هم بیان مظلومیت تعدادی ز شهیدای جمع بوده و هم ما را با خود به حال و هوای ده سال پیش می برد، نقل آن را مناسبات این مقال دیدیم. برادر می گفت:

هفته اول جنگ بود که به همراه مهندس منشی و چند نفر از زدوستان نشان برای دیدن مناطق جنگ زده سه خوزستان رفته بودیم. از آنجا که ملی ترسین نوشته علیه انقلاب را جنگ تحمیلی می دانستیم و وضع هوا و آب و آبان را از نزدیک دیدیم تصمیم گرفتیم جند نفری در هوا زبانییم. پس از آن اندک اندک برادران از شهرستان ها به سوی اهوار می آمدند. مهندس منشی با یکی دوتا از برادران به کا جمع بندی وضع عجمه و مملکت و ارائه نظریات در باره علل و عوامل آغاز جنگ و نحوه مقابله با نوظه ها پرداخت. ما هم که پنج شش نفری می شدیم (ا و لسن گروهی زجبه ها که عا زم جبهه ها شدند) پس از گذراندن یک دوره فشرده نظریات و تمرین های بی گیرشنا و آشنا بی با چند سلاح سبک و سنگین به هر دری می زدیم تا به خر مشیرا اعزام شویم. خر مشیرا بر بدین جهت انتخاب کردیم که معتقد بودیم گرچه این شهر سقوط می کند اما هر لحظه مقاومت موجب تاخیر در سقوط و باعث بسیج نیروها در سایر مناطق کشور و رهسپار شدن آنها به سوی جبهه های جنگ می شود، و از طرفی پیشرو نیروهای عراقی

را به عقب می اندازد. آموزش مقدماتی در باره سلاحها از شهید بنکدار دریا شگاه نفت یا دگرفتیم و ما را به با نگاه گلف بردتا به آب و آبان اعزام شویم. مدتی برای اعزام شدن در باره شگاه گلف (که نام پیاپیگاه منتظران شهادت را گرفته بود) ماندیم. اما از اعزام مخبری نبود. یک روز مرحوم بهشتی برای سخنرانیه گلف آمده بودند، پس از معرفی خود، از ایشان خواستیم که به برادران مسئول سفارش کنند که ما را به آبادان بفرستند. آن موقع دیگر خر مشیر سقوط کرده بود. ما احساس کردیم که آب و آبان پشت جبهه خر مشیر است و عراق می خواهد ما را صرف آب و آبان اهواز را به سوی شمال شرق دور بزنند و محاصره اهواز را کامل کند. شهید بهشتی به برادر داد و دگریمی که آن موقع در آنجا گویا مسئول عملیات بود، سفارش کردند، اما عسیر غما سن مسئله یک روز یکی ز برادران اطلاعات عملیات ما را خواست و گفت شما انعطاف پذیر هستید و حق رفتن به جبهه را ندارید و حرفهای ما مربوط دیگر است. گفت که هر چه زودتر از گلف بیرون بروید. دیدیم که برادران اینجانه تنها ما را به جبهه اعزام می کنند، بلکه امکان دارد ما را دستگیر هم بکنند. از گلف بیرون آمدیم و دوباره به منزلی که در شهر اهواز داشتیم برگشتیم. از فردا به سه گروه دو نفری تقسیم شدیم و به سمت شهرهای اطراف به راه افتادیم، تا شاید با دیدن آب و آبان بی پیدا کنیم که ما را به آب و آبان بفرستد. دو نفر به دز قول، دو نفر به ماه شهر دو نفر به به سوسنگرد رفتند. در دز فول با اینکه شهیدان اوالحسن آل اسحاق مسئول بسیج شهر بود، ما با برخورد خوبی کرد، ولی کمکی هم به اعزام ما نکرد. بچه های هم که به سوسنگرد ما شهر رفته بودند بدون نتیجه برگشتند. مدتی به همین صورت به این طرف و آن طرف می رفتیم تا شاید برادرهای برای اعزام به آب و آبان و خر مشیر پیدا کنیم. شهیدتقی باقری (تقی مندلی) در این رابطه خیلی

فعال بود. چند بار به ما شهر رفتیم. زیرا ما شهر تنها محلی بود که از آنجا می شد از طریق دریا با هوا به آب و آبان اعزام شد. ولی نتیجه نگرفتیم. به نیروی دریا بی مستقر در ما شهر رفتیم با زهم طلسی نداشت. آنچه بی هم که به آب و آبان می رفتند بدون برگه عبور کسی در سوار نمی کردند. در ما شهر یکی دوتا از هم شهریها را پیدا کردیم، آنها هم تلاش کردند راهی برای اعزام ما پیدا کنند، که نتوانستند. با لآخره روزی با یک تکان و نیروی دریا بی آشنا شدیم. هم که گویا یکی زجبه ها را با دوست یکی زدوستان ش اشتباه گرفته بود ما را با خود به محوطه پرواز هلی کوپترهای نیروی دریا بی در ما شهر برد. ما پنج نفر با سلاح نفرا دی که ز تهران همراه خود آورده بودیم بدون آنکه هیچ حکم یا مجوز حمل سلاح داشته باشیم در محوطه فرودگاه نشسته بودیم و خدا می کردیم که کسی به ما اشکالی نگیرد، حکمی طلب نکنند و ما را بیرون نکنند. با لآخره بعد از چند ساعت انتظار یک هلی کوپتر هوا دریا به زمین نشست تعدادی از اهالی آب و آبان که فقط یک ساک از وسایل زندگی برایشان باقی مانده بود پیدا شدند. جمعیت منتظر که اکثر مردم آبادان بودند به سوی هلی کوپتر هجوم بردند. ما هم به هرز جمتی بود، سوار شدیم. وقتی هلی کوپتر بلند شد، نفسی به راحتی کشیدیم. پس از حدود نیم ساعت هلی کوپتر در فرودگاه خسرو آباد ما را به زمین گذاشت. جمعیت زیاده ای در فرودگاه جمع شده بودند و می خواستند که با هلی کوپتر از آب و آبان بیرون بروند. اتوبوسی (گویا ارتشی) برای حمل مسافرها به آنجا آمده بود. همه سوار شدیم و به طرف شهر آبادان حرکت کردیم. توپخانه عراق از طرف فاون به سمت اتوبوس شلیک می کرد. جمعیت جنگ نه دیده نگران بودند. عده ای از ما دادا دگرهای هلال احمر که برای کمک به نیروها یوز مننده

آمده بودند، همراه ما بودند. وسط سرو صدای توپ و خمپاره و حرفهای این و آن یکی از ما دگرها برای روحیه دادن به دیگران شروع به خواندن شعرونوحه کرد. خون عباس ازین صخره جوانه می زند بر تن سنگین مدام تا زیانه می زند..... عده کمی هم همراه این شعر سینه می زدند. چند روز پیش از این داستان انقلاب خوزستان اطلاعیه داده بود که تمام اعضای گروهکها و سبایا با آب و آبان خارج شوند و ما نگران این بودیم که ما را عوضی بگیرند و تا بفهمند که ما از قماش رجوی نیستیم، معلوم نیست چه وضعی پیش بینی می کند. از طرفی نمی دانستیم وقتی وارد آب و آبان شدیم کجا با بدر برویم. اتوبوس ما را در یکی زخیابانهای آب و آبان پیدا کرد. پنج نفر بودیم. تقی باقری، عبدالرضا، هادی، خاچو من، به غیر از یک برگ معرفی ما مدستی از یک نشریه تا زه تا سبب شده (که نه سردبیری داشت و نه حساب و کتابی) که ما را خبرنگار خود معرفی کرد، چیزی به همراه نداشتیم. امیدوار بودیم که این معرفی ما میانی خیری شود و از این طریق بتوانیم راهی به سوی جبهه ها زکنیم. از آنجا که در این معرفی ما آمده بود که شما ما موریت دارید برای این نشریه با مجروحین جنگ مصاحبه کنید و از شما سه آئی آنها برای ما گزارش تهیه کنید. ما هم سراغ بیمارستان شهر را گرفتیم. پیش رئیس بیمارستان رفته و معرفی ما را به خود را به و دادیم. او که نشریه را می شناخت (که حق هم داشت چون نشریه ای بود که به تا زگی درست شده بود و قرار بود عده ای آن را منتشر کنند و خود ما هم مطلب چند تا در باره آن، نمی دانستیم) و تمام ما را گفت این معرفی نامه شما مهر معتبری ندارد و اصلا تا استناداری شما را تا شید نکنند، ما شما را تأیید نمی کنیم. با ناامیدی از اطاق رئیس بیمارستان بیرون آمدیم. نمی دانستیم چکار کنیم.

در این شهر که کسی در آن نمانده بود، کجا برویم، خوا بیدن درخیا با نهی شهر هم با وجود آن سلاحها بیکیه همرا هداشتیم ممکن نبود. سپاه هم که ما را تحویل نمیگرفت و اگر ما را با این سلاحها میدید، مشکوک میشد. حداقلش این بود که سلاحها یا ما را گرفته و ما را ز شهر بیرون می کرد. گرچه با حکمی که دادستان صادر کرده بود سپاه به احتمال زیاد ما را هم جز بقیه گروهها سیاسی حساب می کرد و دستگیر می نمود. وادعیای بیماران را شنیدیم. برادرها سدا ریکه مسئول حفاظت از بیماران بود، پرسید: چکار کردید؟ گفتیم: رئیس بیمارستان گفت: تا استان نماند ریزی بر حکم شما را مهر نزنند ما شما را تا شنید نمیکنیم. برادر سپاه گفت: "خوب بیکی ز شما به او زبرود و مهر استان نماند ریزی را معرفینا مه نزنند". اما به هر حال تا آن موقع سلاحهای شما با بیدر اسلحه خانه ما بماند. خوشحال شدیم. وگفتیم خیلی خوب امروز که نمی شود به او زرفته گفت: فردا آ تو بوسی از بیمارستان زخمیها را به خسرو آباد می برد تا با هلیکوپتر به ما شهر او را منتقل کند، شما هم می توانید با آن بروید. بعد هم طاقی ز بیمارستان را به ما داد تا شب را در آنجا بخوابیم و شامی هم از آشپزخانه بیمارستان برای ما گرفته ما خیلی خوشحال شدیم وگفتیم با لخره تا بیکی از ما به او زبرود شاید فرجی حاصل بشود. در عین حال دیگر لزومی هم نداشت که سلاحهای ژ ۳ را بیک بکشیم. فردا صبح دی به طرف او را ز راه افتاد. رفت تا دوروز دیگر برگردد که تا دو هفته دیگر برنگشت. از فردا صبح هر روز و نفر از ما (که حالا چهار نفر شده بودیم) در بیمارستان میماندیم و دو نفر دیگر هم با ما می آمدند. آشنا بیکی که ما را به او زبرود و مواجبات اعزام ما را به جبهه فرام کند، به خیا با نهی آبادان می رفتیم. جلوی سپاه و جاده دو... می رفتیم درخیا با نهی بیکیه تک و توک دستفروشی داشت بر سر میزدیم. اما هیچ چه سره آشنا بیکی نبود. نه اینکه کسی نبود. هیچکس از آنها بیکی که ما می شناختیم نبودند. نمانده ها و مسئولینی که ما آنها را می شناختیم در تهران مشغول بودند. گروههای سیاسی هم بیکی نمانده بودند و اینک را ه شان نمانده بودند. چند روزی به همین صورت گذشت و ازها دی هم خبری نبود. ما هم نگران بودیم که سرودا برادران سپاه مستقر در بیمارستان در نیاید. یک روز بیکی خودمان گفتیم که ما دنبالش کی میگردیم که ما را معرفی کند، چرا خودمان معرف خودمان نیاشیم. شب نشستیم و با ابدا گرفتن از مطلع شمیری که آن مدا دگر در آن بوس خوانده بود مقاله ای نوشتیم.

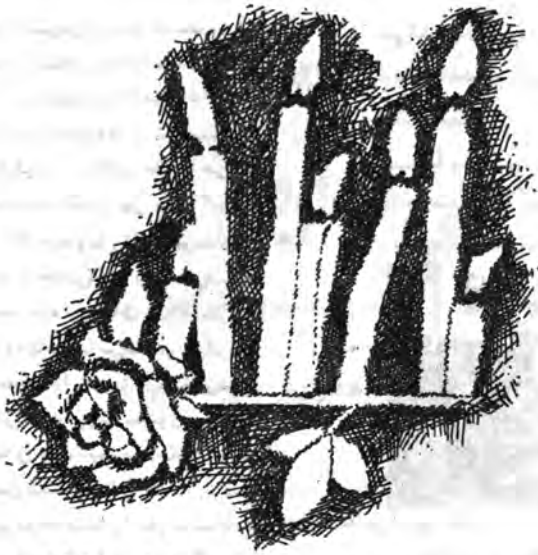
میگفتیم این جنگ میبایست به وسیله شیوه های سلامتی ادامه شده و به پیش برود دست زدن به شیوه های غلطی نظیر بمباران مناطق مسکونی و استفاده از سلاحهای شیمیایی، که عراق از آن استفاده می کرد، درست نبود و موجب افول بعد از انقلابی جنگ و دور شدن از اهداف اصلی آن میشد.



خون عیان از زمین صخره خوانه میزند برتن تنگین صدام تا زیانه میزند محتوای مقاله تشریح بعضی از نیازهای مردم بود. مقاله را به بیکی زجه های سپاه میستقر در بیمارستان دادیم تا بخواند. خیلی خوش آمد. گفت: چطور است این را به او زبرودیم. فردا با هم پیاده به طرف او دیونفت به راه افتادیم. در بین راه با این برادرها سدا رنوجوان که شانزده هفده ساله بودند با هم هم عضوانجمن حجتیه بوده، دربارها دلائل وجود امام زمان (عج) و نقش آن حضرت در انقلاب و خصوصیات جامع امام زمان (عج) صحبت کردیم. برادر خیلی با ما دوست شده بود. به او دیوکه رسیدیم، مسئول را دیوگفت: این مطلب خوبسته ولی برای بخش روایت عمومی سپاه با بد آن تأیید کند. به طرف روایت عمومی سپاه به راه افتادیم و مقاله را به بیکی زبرادران مسئول سپاه دادیم. فردا که برای گرفتن جواب رفتیم، برادر از آن خیلی خوشش آمده بود. گفت: مطلب برای بخش ازادیو خوبسته ولی آیا کسی معرف ایشان هست؟ برادرها سدا رگفت من ایشان را تا شنید میکنم، به این ترتیب مقاله را به او زبرود. برادران رفت و دوروز بعد به هم راه موزیک و دیگلمه از او دیو بخش شد. (این مقاله با آشنا بیکی با جبهه او دیو سپاه او با دان شد. و چیزی نگذشت که ما برای او دیو با دان مطلب تهیه می کردیم و سرود و نوحه میخواندیم. جبهه های سپاه هم زما خواستند که بر ما دیو بیکی سپاه را که مدتی تعطیل شده بود به راه بیا نماندیم. مدتی با او دیو با دان همکار می کردیم، ولی چون اصلی ترین نیاز را شرکت در جبهه می داشتیم نه تبلیغات جنگ نمیخواستیم که در شهر ما نیستم. دوست داشتیم که در جبهه با شیم و ضمناً کمکهای بیکیه از دستمان بر می آمد به او زبرود. او با دان بکنیم...)

دو باره در بدره دنبالش پیدا کردن یک آشنا در شهر به جستجو پیدا ختم بیکی از دوستان ما در گروه شریعت برود، همسایه او با دان را لامل داشت که

میفرستاد. چند روزی گذشت دیدیم که اینجا جبهه ای که بشود اسمش را جبهه گذاشت، نیست. تحرکی ندا ردوا مکان حمله و حرکتی علیه متجاوزین در آن وجود ندا رد. دوباره به خانه برگشتیم. بیکی دو روز بعد خسرو از طریق بیکی دیگر از آشنایان به ما مصطفی که گروهی به ما مسازمان رزمندگان مسلمان خوزستان درست کرده بود، ما را به همرا چند نفر دیگر از جبهه او با دان به جبهه او لفق را به برد با این جبهه ها، ما در خانه خسرو آشنا شده بودیم. در آنجا ما در جلوی خط تیپ ۲ لشکر خراسان به فرماندهی سرهنگ کهتری قرار گرفتیم. این خط بهتر از خط قبلی بود. سمت راست ما نیروها افتاد شیان اسلام به سرپرستی آقای ها شعی، سمت چپ ما بسیجیها یعنی آبا دقرا ردا شتند. تیپ سرهنگ کهتری بتا زگی به کمک نیروها میزدیم یک تیپ عراق را که از بهمنشیر گذشته و به محله او لفق ریسه آبا دان نفوذ کرده بود، عقب رانده بودند. مدتی در این جبهه ما ندیم. روزها به بحث و فحش با جبهه او با دان در باره انقلاب و جنگ و شبها به نگهبانی میگذشت پس از چند روز فهمیدیم که این آدمی که ما تحت نام او به جبهه آمده ایم، یعنی همان مصطفی، آدم درستی نیست و در صدد است که از فعالیت جبهه ها در جبهه به نفع موقعیت سیاسی خود بهره برداری نماید. همگی نسبت به او مسئله دار شده بودیم. بخصوص بعد از اینکه دیدیم خودش هیچ وقت در جبهه نمیماند و به لظیف الحیل به شهر میگردید. در شهر ما بقیه خوبی ندا شته پس از چند روز یک شب قرار شد حمله ای بزرگ و گسترده (به حساب آن روز به نیروها و متجاوزین) بشود و آنها را تا خرمشهر عقب بیا نمانیم. در این عملیات من آرپی جی زن و محمدرضا فخرا بیکی که دا نشجو و قبلا از هواداران رجوی بودو حالا نسبت به او مسئله دار شده بود، کمک آرپی جی زن بود. در مدت حضور در جبهه بحثهای زیادی با او داشتیم. عملیات بدون حساب و کتاب و بدون آموزش لازم شروع شد و بر اثر لورفتن با شکست روبه رو گردید، متجاوزین هر چه داشتند بر سر ما ریختند و محمدرضا فخرا بیکی در چند متری خاگریز عراقیها با گلوله یک تک تیرا ندا ز زخمی گردیده و زمین گیر شد. پس از آن با گلوله دیگری که به موشک آرپی جی کوله پشتی اش اصابت کرد به آتش کشیده شد و در برابر چشم همه ما سوخته جنازه سوخته این شهید ما بعد وقتیکه عراقیها کمی به عقب رانده شدند، پیدا شد. جالب اینکه عراقیها او را دفن کرده بودند و تخته کوچکی که روی آن نوشته شده بود "مجاهد برای نیای القیبرش در خاک نشاندیده بودند. او در قبرستان شهر آبا دان به خاک سپرده شد. پس از شهادت



عبار دلاور که کند ترک سرخویش
در عشق چو بیم سرو جغت و لیکن
حیران رخ یار از اغیار ترسد
از خنجر خون ریز سردار ترسد
ای دلبر از اینها دل عیار ترسد

نقش جریانا تی مثل انجمن حجتیه و روحا نیت غیر مکتبی در ارگانها مشخص شدوا ما م (ره) حرکتی علیه حجتیه را آغاز کردند ما به یقین فهمیدیم زکجا ضربه می خوردیم و چگونه جبهه ها از نیروهای مکتبی و استقلال طلب خالی شدتا به حدی که جریان جنگ به جا بی رسید که مسئولین گفتند به خاطر کمبود اعزام به جبهه ما مجبور شدند زهرنا ما را قبول نما بند. این جمع از آغاز جنگ تحمیلی، موضع فعالی آغاز کرده و از آنجا که اصلی ترین نوطه استکبار رجحان علیه انقلاب اسلامی را جنگ تحمیلی می دانست، تمام می هم خود را صرف کمک به رزمندگان اسلام در دفاع از استقلال طلبی و در طول جنگ با اقدامات عملی و نوشتن مقالات و فعالیتهای فرهنگی تلاش کرده خط مشی دفاع و زوایس از آن تشبیه متجا و را با دیگر اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی پیوند بزنند. این جمع معتقد بود در این جهت تلاش می کرد که دفاع از سرزمین اسلامی در برابر برداشتن متجا و زمینها بدموجب تعمیق انقلابیه تصفیه نیروهای انقلابی و ارتقاء وحدت اصولی در بین این نیروها شود؛ این جنگ میبایست موجب پیوند بیشتر ما با توده های مستضعف منطقه شود؛ این جنگ میبایست موجب پیوند دولت ایران و عراق شود؛ این جنگ میبایست موجب قیام ملت عراق علیه رژیم متجا و آن و حرام زید در درون ارتش این کشور شود و باعث شود که نیروی نهفته ضد صهیونیستی موجود در ارتش این کشور در کانال صحیح خود به کار افتد این جنگ میبایست به وسیله شیوه های اسلامی داده شده و به پیش برود و دست زدن به شیوه های غلطی نظیر بمباران مناطق مسکونی و استفاده از سلاحهای شیمیایی، که عراق از آن استفاده می کرد درست نبود و موجب اقوال بعد انقلابی جنگ و دور شدن از اهداف اصلی آن می شد.

در طول مدتی که اعضای بین جمع امکان حضور در جبهه های جنگ را پیدا کردند، تلاش نمودند که ارزشهای نهفته در دل این جنگ ضدا مپریا لیستی و ضد کمپ دیویدی را تدوین نموده و از آن ره توشه های بی برای ادامه جنگ و انقلاب برگزینند و این کوشش به دستاوردهای بی انجامید که برخی از آنها به صورت مقالاتی در نشریه راه ما هجدهم و کتاب سه تکبیر تا قدس و دانگها سلامی جنگ به چاپ رسید و برخی نیز تا آنجا که امکان داشت به گوش مسئولین رسید.

نزند، ما هم مرتب برای مسئولان زندان با زبونا می نوشتیم که ما از آن رقم مجاهدینی که شما می شناسید نیستیم و با آنها فرق داریم ولی توجهی به ما نمی شد. نوشتیم که ما با ما را زیر آنتن بزرگ و عریض سپاه زندان نمی کرده اند و عراق هم برای زدن این آنتن ممکن است حمله کند. حداقل جای ما را عوض کنید که کشتی کشتی کشته نشویم. با زهم توجهی به آن نمی شد. تا اینکه روزی شنیدیم که آیت الله خا مننه ای که آن موقع نما بند ما م (ره) در ارتش بودند، برای ما زدیدار جبهه ها به ما با آن آمده اند. (چند روز قبل از سو قصد به ایشان) برای ما زجون نوشتیم که اگر شما ما را نمی شناسید آیا می شناسد ما را می شناسند و از ایشان در باره ما سوال کنید. خوشبختانه با زجوی ما و مسئول اطلاعات سپاه با ما با آن از ایشان در باره ما سوال کردند و ایشان هم جواب دادند بودند که اینها با زجوی فرق دارند و حضورشان در جبهه بلا شکال است از فرادای آن روز سخن و رفتارها زجوی ما فرق کرد و خیلی ما ما صمیمی شدند به ما احترام می گذاشتند. یکی دور و نزدیک ما را به ما زفرستاده و در آنجا آزاد کردند. البته بعد از آن هم هیچوقت به ما اجازه ندادند که در جبهه ما نیم و ما هم به ما چا در شهر به فعالیت پشت جبهه خود داده اند. حتی کوششهای رئیس جمهور و ریاست مجلس آن موقع نیز برای شرکت ما در جبهه غنشی می شد. بعدها که

هتل آبا با آن بردند و در آنجا فهمیدیم که از طرف سپاه خمینی شهر علیه ما ادعا کرده اند که ما منافع و نفوذی در جبهه ها در جلسه ای که از سوی برادران سپاه آبادان برای تحقیق درباره قضیه ما برپا شده بود برای درباری ز سپاه خمینی شهر هم علیه ما ادعا کرده بود، حضور داشته خلاصه مطلب این بود که جبهه های سپاه ما را نمی شناسند و جریانی ز سپاه خمینی شهر هم علیه ما حرفهای می زد که سر و ته چندان نداشت جبهه های سپاه با ما می گفتند که چرا شما موضوعتان را به ما نگفتید؟ گفتیم: ما قضیه را به شهید مودنی گفته بودیم (که البته تا همدام شهید شده بود) و به شما هم ضرورتی نداشت بگوئیم. به آنها گفتیم در حقیقت کمی هم می رسیدیم که ما را از جبهه بیرون کنید. قضیه ما ما پیدا کرد و فرادای آن روز اطلاعات سپاه با ما با آن ما را دستگیر کرد. اطلاعاتی که در آن زندان می بودیم گویا قبلا حتما ما چیزی شبیه به آن نبود، اطلاعاتی بود به طول حدود ۳/۵ متر و عرض ۲/۵ متر. دوتا آبگرمکن هم در گوشه ای از آن قرار داشت و یک شیر آب هم در آن بود. گرمای تابستان کولاک می کرد و ما سه نفر در آنجا ساکن بودیم. ما را از زیر برای یخک شدن روی خود ما آب می ریختیم، وقتی نگهبان در اطراف ما را برای دادن غذا ویا بردن ما به دستشویی با ز می کرد یکی و متر عقب می بستاد که بخار آب و عرق بدن ما حالش را به هم

اوشنیدیم که در دانهنگاه جندی شاپور مدتی جا زه ندادند بودند که عکس او در زمره شهدای دانهنگاه چاپ شود، به احتمال اینکه هوادار رجوی بوده است خدا بیش رحمت کند. عده ای نقش دفاع مقدس را در تغییر افرا دمی توانستند درک کنند. این شیوه برخوردها موجب دل سردی و انفعال بسیار نیروها شد. فردای حمله برسان برسان گروه دیگری از جبهه ها را که با سیج سپاه خمینی شهر به جبهه آمده بودند، پیدا کردیم و از سلامتی آنها با خبر شدیم. شهید مهدی آرزو مند و سه چهار نفر دیگر از جبهه های جمع اصفهان به همراه شهید رضامودنی که آن موقع عضو شورای فرماندهی سپاه خمینی شهر بود به جبهه آمده بودند. شهید مودنی ز خمینی شهر با جبهه آشنا شده بود. او از زهیر و آن نمونه و برجسته اما م (ره) بود که معتقد بود جبهه عمل صالح زمان است و راه شرکت در آن با بد برای هر کس که انگیزه سالمی دارد باز باشد. در برخوردی هم که بعدها با آیت الله خا مننه ای در مقام ریاست جمهوری داشتیم گفتند: در جبهه دیگران حصار نیست و حق شما است که شرکت کنید. بعد از عملیات ترادایو با ما با آن از ما خواست که برای برنامهای ما سلام بر جبهه که در صد ساعت آن بود، مطلب تهیه کنیم، ما هم تقسیم شدیم، چند نفر در آنجا ما ندیم و شروع به نوشتن مطلب برای دیو کردیم. بقیه هم با ما فقط برای در مودنی به خط ایشان رفتند و چندی بعد ما هم به آنها پیوستیم و تحت فرماندهی و در آن مدیم. به این ترتیب ورود ما به جبهه پا گرفت یک ماه بعد تقی شهید شد. چهار ماه بعد از شهدای تقی، مهدی هم به همراه رضا مودنی، اکبر خا مننه و چندتا از بهترین جبهه های این مملکت به شهدا دست رسیدند. دهها نژده روز بعد از شهدای تقی، مهدی یک روز با تلفن صحرا بیمن وحسین را خواستند و تقی به عقب آمدیم ما را به همراه صمدیه

روش تحلیل و ریشه‌یابی اختلافات

قسمت اول این مقاله در شماره گذشته نشریه آمده است.

به این منظور به چندین موضوعی پرداختیم که در دوزخ‌نینه به دست آورد جدیدی دست یا بیم ۱۰- در زمینه روش برخورد با اختلافات درون انقلاب ۲- در زمینه خودسازی و تحلیل از خود. در بخش اول روش‌های تحلیل رفتار انسان به دو دسته عمده تقسیم شده بود: یکی آنها که محیط و شرایط را عامل تعیین کننده رفتار انسان می‌دانند. دوم آنها که به خود انسان امانت می‌دهند. شق دوم به سه روش: ۱- اصالت آگاهی، ۲- اصالت نفسانیت و خصلتها، ۳- اصالت قنطرت خدا جو، تقسیم شده بود. در شماره گذشته روش اصالت محیط و اصالت آگاهی مورد بررسی قرار گرفت. اینک بقیه موضوع را بی‌می‌گیریم:

● دیدگاه هوروش دوم:

اصالت

نفسانیت و خصلتها

این تفکر با یک نوع بدبینی نسبت به همه افراد دنیا می‌کند. هراشتباه با اختلافی را، مغرضانه می‌پندارد. حتی در مواردی که شخص به دلیل تفکر غلط خود موضعی می‌گیرد و کار خود را درست می‌پندارد. نیز حمل بر مسائل نفسانی می‌کند. نمونه‌های زیر روشن کننده این تفکر است:

● تضاد مشروطه و مشروطه

در جریان مشروطه از یک طرف دستهای مرموز و یا دی انگلیس به دست زدن اختلافات مشغول بودند. از طرف دیگر در بین روحانیون بر سر نحوه اجرای احکام اسلام اختلاف نظر وجود داشت. رهبران مشروطه انقلاب مشروطیت را تحقق نسبی و مرحله‌ای شرع اسلام می‌دانستند. مهار کردن استبداد را یک قدم به سوی حکومت اسلامی می‌دیدند. مخالفان آنها اجرای احکام اسلام را به صورت مجرد و خشک و جدای از حکومت اسلامی در نظر داشتند. این اختلاف فکری هنوز هم در بین روحانیون

مسلم است که وجود اختلاف فکری بین افراد، حتی در بالاترین سطوح جامعه طبیعی است. حتی تضادهای فکری می‌تواند منشا رشد و تحول و غیربرای جامعه باشد.

وجود دارد. (تضاد فقه فردی غیرسیاسی و فقه حکومتی و ولایت فقیه) ولی در آن زمان کسی این اختلاف را از او بیرون برد. ایدئولوژیک فکری بررسی نکرد. شیخ فضل الله و طرفدارانش، رهبران مشروطه را با همه گری و بی‌دینی و غرب زدگی متهم می‌کردند. مشروطه خواهان نیز روی ارتباط و همکاری شیخ فضل الله با محمدعلی شاه تکیه می‌کردند و به جنبه‌های فکری مسئله کمتر توجه داشتند. به همین دلیل این اختلاف فکری نه تنها حل نشد، بلکه تا به حال باقی مانده است. در انقلاب اسلامی همین تضاد فکری باعث گرفتاری‌ها و تشنجات زیادی شده است.

● تضاد خط امام و دولت موقت

در همین انقلاب اسلامی اختلاف دولت موقت با نیروهای خط امامی در باطن یک اختلاف ایدئولوژیک استراتژیک بود. اعضای دولت موقت و نهضت آزادی دارای تفکر خاصی بودند. آنها برای پیشرفت مملکت استفاده از تکنولوژی و تمدن و علم غرب را موجه و بلکه ضروری می‌دانستند. در کتاب "راه طی شده" مهندس بازرگان، مبنای فکری این خط مشی آمده است. در آنجا راه علم و راه دین را یکی می‌داند. فقط می‌گوید دین از طریق خدا و وحی به چیزها بی‌رسیده که علم تدریجاً به آن می‌رسد. به همین تفکر بود که دولت موقت در برابر غرب سیاست تعدیل و نرمش را در پیش گرفت.

نیروهای خط امامی به عمق خط مشی آنها که پشتوانه فکری و ایدئولوژیک داشت، توجه نکردند. عملکرد آنها را صرفاً وابستگی و سازشکاری و خیانت تلقی کرده و به تنفی و سقوط دولت موقت همت گماشتند. اما بعدها شاهد بودیم که طنز "دولت موقت سیاست دامن"، زبانزد تحلیلگران سیاسی گردید. تا زمانی

که جاه طلبی‌اش را موجه جلوه دهد. بایستی دید آن تفکر چیست؟ آن را با کماری و اصلاح‌گردد تا شاهد تکرار آن ماجراها نباشیم.

برخی می‌گویند فقه آیت الله شریعتمداری صحیح است. فقط ایشان بی‌تقوا بود. با این تبیین هیچ اعتمادی به کسی نمی‌توان داشت. با بدگفت پس چرا مردم را به تبعیت از رهبری، روحانیت و مرجعیت تشویق می‌کنید؟ چه تضمینی است که صبح‌ها خواب بر می‌داریم، با اسناد کودتا یا رابطه با سیا و... یکی از آقایان روبرو نشویم و ما ببینیم عصری درسیا هی بوده ایم؟

با آن دیدگاه‌ها باید پذیریم، همه کسانی که با ایشان همکاری داشتند و مرجعیت چنین آدم بی‌تقوایی را، که سالیان در ازبک‌ها ساواک و سیا تماس داشته، پذیرفته‌اند همگی بی‌تقوا و خصلتی بوده‌اند که بدون تبیین به این عملکردها تن داده بودند.

از اینها گذشته مگر می‌شود بدون داشتن تقوا "فقیه" شد و قرآن را درک کرد؟ اگر "تفقه" زبطی به "تقوا" نداشته باشد، آن فقه غیر از "فقه قرآنی" است. غیر از "تفقه در قرآن و سنت" است که مستقیماً به تقوا مربوط و مشروط است. با بیداری آن شیوه تفقه تجدید نظر کرد.

متأسفانه در طول انقلاب در راه طلبه‌ها هم جریانیهای انحرافی و اختلافات سیاسی با همین دیدگاه هوروش برخورد شده است. اصالت دادن به نفسانیت و خصلتها باعث شده، ریشه‌های فکری ایدئولوژیک این اختلافات بررسی و حل نشده باقی بماند. لذا شاهد تکرار ضربات منتهی به آشکال جدید تر هستیم. این روش باعث شده که اختلافات به جای اینکه موجب رشد و تعالی و رسیدن به یک جمع‌بندی برتر گردد، عموماً به شکل یک فاجعه و ائتلاف نیرو و ضربه به انقلاب درآید.

● مسئله آیت الله منتظری

نمونه دیگر، جریان آیت الله منتظری است. برخی اظهار نظرهای ایشان، ظاهراً با گفته‌های امام خمینی در تضاد بود. البته همه مسئولین حتی مسئولین رده بالای امروز، در گذشته در مواردی با امام خمینی اختلاف نظر

که آن تفکر ریشه‌یابی و تصحیح نشود تا هتدا و ما بین تعدیل در برابر غرب خواهیم بود.

● تضاد امام خمینی

و

آیت الله شریعتمداری

در مورد اختلاف شریعتمداری و امام خمینی می‌گفتند که شریعتمداری به خاطر عدم تقوا و خصلت رهبری طلبی دست به این کار زده است.

در حالی که آیت الله شریعتمداری تا روز قبل از افشای کودتا به عنوان مرجع تقلید از جانب حوزه علمیه و جامعه علمی این کار زده است. مدرسین حوزه علمیه شناخته شده بودند. برخی فضایی بنا که از اعضای فعلی جامعه مدرسین هستند با ایشان همکاری نزدیک داشتند.

چگونه می‌شود شخصی بی تقوا و جاه طلب در رأس حوزه قرار گیرد؟ چگونه حتی فضایی چون استاد جعفر سبحانی و آیت الله ناصر مکارم و امثالهم که با ایشان نزدیک بودند بین بی‌تقوایی و نفسانیت را تا روزهای آخر تشخیص نمی‌دهند؟

در حالی که آیت الله شریعتمداری در مواردی چون شیوه حکومت، حدود و اختیارات ولایت فقیه، شیوه تفقه و مالکیت و... با امام خمینی اختلاف نظر داشت. اگر چه طلب هم نبود، این اختلاف فکری سرچاپش بود.

در حقیقت پذیرش مرجعیت آیت الله شریعتمداری از طرف مدرسین و همکاری برخی روحانیون با ایشان به دلیل توجیهات فقهی و ایدئولوژیک بود. آیت الله شریعتمداری برای خط و عملکرد خود، توجیه شرعی می‌آورد که نزد افراد مقبولیت پیدا می‌کرد. بسیاری افراد واقعاً آن توجیهات را به عنوان حکم شرع قبول داشتند.

اگر خود آیت الله شریعتمداری نفسانیت داشته ولی تفکری هم داشته

داشته اند، اما در مورد آیت الله منتظری این امر طبیعی تر است. چرا که ایشان اولاً سوابق معتدماً رزائی شان از همه روحانیون خط امام بیشتر است و در همه صحنه ها بوده اند، ثانیاً به لحاظ علمی در حد مرجعیت بودند. خودشان صاحب نظر هستند، ثالثاً ایشان در دوران تبعید اما خمینی سنگر و گاتون مبارزات خط امامی ها در داخل ایران نبودند و از نیروهای مبارز و زجر دیده و شکنجه شده شناخت عینی و ملموس داشتند در این باره "موقعیت سیاسی ایشان طوری بود که مردم و نیروها بنا به اعتمادی که داشتند در دلها ایشان را با ایشان در میان می گذاشتند، ایشان هم به جهت دلسوزی به انقلاب و آینده نگری که داشتند، تذکراتی می دادند.

اما برخی افراد، این تذکرات دلسوزانه را حمل بر مسائل نفسانی کرده و آن را در قالب خط و خط کشی های بانندی و گروهی و تصفیه حساب با مسئولین قلمداد کردند ما حباناً بین تفکر آزاداندیشی ایشان را به عنوان مقابله با امام خمینی جلوه دادند. در حالی که این نظرات می توانست موجب رفع ضعفها و نارسائی های موجود در مملکت و تعالی خط امام گردد، اما اختلاف نظر با امام خمینی می تواند اختلاف در اجتهاد، یا حتی دو شیوه اجتهادی باشد. برخی صوابه با امام معصوم هم اختلاف نظر پیدا می کردند. ولی هرگز از جانب آنها به خطی بودن و بی تقوایی متهم نشدند. بلکه ائمه سعی می کردند به جنبه فکری قضیه پرداخته و با تبیین و توضیح فکری آنها را روشن و موضع آنها را تصحیح کنند و با درموردی به عنوان واقعیت و با مرتبه وجودی افراد، این تفاوت موضع پذیرفته می شد. (نمونه های حجرتی عدی و امام حسن (ع) - خواجهر ربیع و امام علی (ع) - مالک اشتر و امام علی (ع) - ابودر و امام علی (ع) - ابودرویش میر (ص) - زید بن علی و پسرش یحیی بن زید با ائمه و ...)

● نفی مبارزات - تیرش عاقبت طلبی

برخی رواشناسان که با همین دیدگاه به انسان می نگرند، هر رفتاری را به یک نوع خطی متعصب می کنند. شرکت جوانان در مبارزات ضد ظلمی را ناشی از حس ماجراجویی و برتری جویی می دانند. این افراد شناسهات و انحرافات که در مسیر مبارزه از بعضی مبارزین آشکار می شود را دلیل بر صحت مدعای خودشان می گیرند و به همه تعمیم می دهند. در حالی که عاقبت طلبان و راحت طلبان که به هیچ حرکت و مبارزه ای تن نمی دهند، خودخواه ترند

نیروها و خط امامی به عمق خط مشی آنها که پشتوانه فکری و ایدئولوژیک داشت توجه نکردند. عملکرد آنها را صرفاً وابستگی و سازشکاری و بی وفایی و سقوط دولت موقت همت گماشتند. اما بعدها شاهد بودیم که طنز دولت موقت و سیاست دشمنان را با تحلیلگران سیاسی گردید. تا زمانی که آن تفکر ریشه یابی و تصحیح نشود، شاهدتها و مابین تعدیل در برابر غرب خواهد بود.

کسی که در مسیر مبارزه با ظلم قرار می گیرد، تدریجاً شروع به اصلاح خطی های خود کرده و با تداوم مبارزه، خودخواهی ها را کنار می گذارد.

● نفی منحرف - بقای انحراف

این روش به تفکرات انحرافی که موجب رشد و توجیه خطی می شود توجه نمی کند. لذا قادر نیست راه حل و متدی برای اصلاح نفس را به دهد. با کافر مبارزه می کند ولی با کافر مبارزه نمی کند لذا بطور سیستماتیک افکار انحرافی باقی می ماند. منافق را شدیداً می کوبد ولی نفاق را از زمین نمی برد. رباکاران را محکوم می کند ولی ربا را پاکسازی نمی کند.

● نفی بنی صدر - بقای خطی

به عنوان مثال در انقلاب بنی صدر را به عنوان شخص مغرور و رهبری طلب طرد و محکوم کردند ولی بدلیل همین فقره روش تزهائی و یعنی نزدیکی به اروپا و ژاپن به جای آمریکا و همچنین نزدیکی به ترکیه و پاکستان در منطبقه دژ سیاست خارجی، تکیه بر جنگ کلاسیک و موشک جواب موشک در جنگ، لبرالیزم اقتصادی و روحیه ضد تشکیلات در "داخل" پیدا شد.

● نفی عرفات - بقای راهش

با در منطقه، عرفات را بدلیل شعار "مذاکره" و "زمان ملل"، سازشکار و بریده می دانند. در حالی که عرفات از بنیانگذاران مبارزه قهرآمیز و مسلحانه با اسرائیل بوده است و خود در بسیاری از عملیاتها منجمله گرامه شرکت داشته است. ریشه یابی نمی شود، چه خط مشی و

تقی شهرا مخلصه کردند. آنها زمینه ها و عدم انسجامهای آموزشی که زمینه ساز کمیت تقی شهرا م و ضربه ۵۴ شده بود را ندیده گرفتند. لذا خودشان دوباره به همان افکار و راه تقی شهرا م افتادند و در وقتا در به پا کساری آن شیوه ها و تحلیل های انحرافی نگشتند.

● روش رجوی

در جریان سازمان مجاهدین، این شیوه برخورد وجود داشت. مسعود رجوی هر نوع اختلاف فکری را به رهبری طلبی و مسئله دار بودن و با بریدگی و سازشکاری و عناقیت و مناسبت می کرد. حتی در زندان شاه وقتی برادر منشی ستولت ایدئولوژیک و عدم انسجامی در آموزش سازمان را که به نظرش رسیده بود، مطرح کرد. نماینده رجوی به جای پاسخ به آنها یا پذیرفتن برخی انتقادات، بجای گفت اصلاً نفس اینکه شما در مقابل رهبری سازمان روی ایدئولوژی اظهار نظر می کنید ناشی از رهبری طلبی است. اول با بدخلتها بتان راحل کنید و بعد بریدگی رهبری طلب هستی دوگانه ما بحثی نداریم.

این روش که به هر کسی با چشم بدبین و خطی بودن نگاه کنیم، جای رشد و تعالی و رشد داری افراد باقی نمی گذارد. هر اختلاف نظر کوچکی به سرعت تبدیل به جناح بندی و سنگر گرفتن و کینه کشی می شود. فردی که با این روش با دیگران برخورد می کند، در این رابطه خودش هم رشد نکرده، تفکراتش پاکسازی نشده و ضعفهایش تصحیح نمی شود. چون هر انتقادی را به یک مسئله نفسانی در طرف مقابل نسبت می دهد.

● چین و شوروی

مثال دیگر: در مورد اختلافات چین و شوروی همین شیوه غلط ریشه یابی باعث تشدید تفاوت آنها به نفع امپریالیسم آمریکا گردید. طرفین بدون توجه به بیست و تفکرات و خط مشی کشور مقابل تفاوتها را به غرور و برتری طلبی طرف مقابل نسبت دادند و نسبت به یکدیگر بدبین تر شدند. اولاً هیچگاه نتوانستند تفاوتها را بطور اصولی حل کنند. ثانیاً دیدیم که همان اشکالاتی که در شوروی مورد انتقاد چین بود در سیاست داخلی و خارجی چین هم وجود آمد.

● راه تزکیه نفس

اگر انسان در مورد خودش هم به همین نحو قضاوت کند راه اصلاح خویش را سد کرد

تفکراتی باعث شده که ربه اینجا برسد. صرفاً به محکوم کردن عرفات بسنده می شود ولی همان خط مشی راه مدتی بعد عمل می نماید. اشکالات سازمان از ادب بخش را در خطی های فردی شخص عرفات خلاصه می کنند، و ریشه آنها را در خط مشی و آموزش نمی بینند.

● سرکوب بحای رشد

با در مورد مردم عراق، توجه نمی شود که چه توجیهات و تبلیغاتی باعث شده که مردم عراق علیه صدام حرکت نمی کنند؟ مردم عراق چه قناری هستند؟ چه فرهنگی دارند؟ علت حرکت نکردن آنها چیست؟ صرفاً همه را ترسو و بزدل قلمداد کرده و به مبارزان شهرهای عراق دست می زنیم تا با زهم از ترس جان نشان علیه ما عمل جنگ اعتراض کنند.

● مسئله سرما به داری

برخی روحانیون از سرما به داری و مالکیت نامحدود دفاع می کنند. در مقابل مخالفان آنها را به دنیا پرستی و سرما به داری متهم می کنند و به نفسی و طرد آنها می پردازند. در حالی که برخی از این روحانیون در زندگی شخصی ساده زیست هستند و خود صاحب سرما به ای نیستند. ولی در تفکراتشان مالکیت، از خدا بیشتر مالیت دارند و ملاک اسلام و کفر را قبول یا رد مالکیت می دانند.

با بستن با این تفکر بر خورد کرد و ریشه آن را که نفوذ فلسفه و متدولوژی بونن در اصول فقه است پاکسازی کرد.

● مسئله مجاهدین

مثال دیگر: در سازمان مجاهدین پس از انحراف سال ۴۰ هوشها دست مجید شریف واقفی بدست ابوروشیستها، رجویستها علت ضربه را در رهبری طلبی

می‌زنند که خود موجب رشد خصلت‌های نا پسند می‌گردد. لذا به ملاکی نیا زداریم که در همه مراحل راهنمای عمل ما باشد. در روش چهارم توضیح داده می‌شود که این ملاک همان "فطرت خدا جو و حق طلب" است که با اصالت دادن به آن دچار بن بست‌های فوق‌الذکر نخواهیم شد.

● روش چهارم:

اصالت فطرت خدا جو

در روش‌های گذشته دیدیم یکی ریشه انحرافات را به آگاهی و معرفت نسبت می‌داد. دیگری همه انحرافات را ناشی از خصلت‌های نا پسند می‌دید و به معرفت کاری نداشت.

● همراهی خصلت و معرفت

هر خصلت نا پسندی یک تفکر توجیه‌گر دارد. هر تفکر انحرافی هم یک منشأ خصلتی داشته است. ظالم‌ترین افراد هم برای کار خودش دلیلی می‌تراشد و سعی می‌کند عمل خود را موجه جلوه دهد. به عبارت ساده، خصلت و معرفت یک رابطه تنگاتنگ و جدا نشدنی دارند. در یک نگاه سطحی به تاریخ بیندازیم. در کنار ره‌پا دشا هلالی، علمای درباری و دانشمندان هستی‌شناسی فلسفه فاسد فی می‌کنند. ظلم حکومت را عدل جلوه می‌دهند. خلاقکاری‌ها را با تئوری‌ها و فتاوی‌های خورنگ حق و صلاح می‌دهند. بطور مثال در کنار رفیعون، بلعم با عسورا و کاهنان و سحره‌ها می‌بینیم. هم‌راه اسکندر، ارسطو را مشاهده می‌کنیم. بنی عباس به سراغ فلسفه یونان زده می‌روند. شاه و روحانیت در بسیاری امپریالیسم و حقوق بشر و... نمونه‌های دیگر این امر هستند.

امریکا جنگ افروزی می‌کند، تاجاوز می‌کند. ولی مدعی است برای صلح و آرامش دست به چنین اعمالی زده است. به پاناما تاجاوز می‌کند و به کشتار و سرکوب مردم می‌پردازد. در تبلیغات می‌گوید به خاطر مبارزه با قاچاق مواد مخدر است و نوریه‌ها در کاموا دمخدر دست دارد، یعنی می‌کوشد با شعرا جای عدالت و مجازات مجرم، جنايت خود را موجه جلوه دهد.

چرا چنین است؟



بقیه در شماره آینده



ملاک و معیاری برای تشخیص مرز خصلت و معرفت ندارد. از کجا بفهمیم که ریشه یک انحراف عمدتاً معرفتی است یا خصلتی؟ چگونه تشخیص بدهیم که با یستی روی تزکیه نفس کار کرد؟ یا به کار فکری و آموزش باید پرداخت؟ تشخیص این مسئله به خودش و غذا می‌شود. لذا راه فرصت طلبی را باز می‌گذارد. گاه خصلت را اصل می‌گیرند و گاه معرفت را. طرفداران و همفکران آیت الله شریعتمداری می‌گویند انحراف شریعتمداری مسئله خصلتی بوده است. فکرو فقاها و اشکالی نداشته ما در مورد سید مهدی هاشمی بدون هیچ توجیهی می‌گویند انحراف سید مهدی مسئله فکری و التقاط فکری بوده است. با یستی بدنبال همفکران او گشت و همه را پاکسازی و تصفیه کرد. می‌گویند شخص سید مهدی مهم نیست، بلکه تفکر و دنباله او مهم است.

در مورد شریعتمداری نزدیکترین افرادش (درواقع جریان فکری او) را میری دانسته و احیاء و اکرام می‌کنند. ولی در مورد سید مهدی هاشمی می‌خواهند تصفیه جریان فکری کنند. حتی منتقدین به سید مهدی را به اسم سخت فکری با او از میدان بدر برند.

در میدان مبارزه و جبهه دهم شخص فرصت طلب و محافظه کار می‌تواند به پناه اهمیت و ضرورت کار فکری از مسئولیت جها دیگر بزد و خود را از خطر دور کند. به عبارتی دیگر بعضی از موضع خصلتی و نفسانی به کار فکری و فرهنگ می‌پردازند. در مقابل عده‌ای به خاطر ضعف بینشی و معرفتی به عملی دست

کرده و قاطعیت داشته باشند. لذا به کار فکری و عقیدتی می‌پردازند. پس از مدتی احساس می‌کنند که زحمت عمل و دردهای مردم دور ما نده اند و خصلت‌های عاقبت طلبانه و محافظه کاری پیدا می‌کنند. کار فکری را تعطیل و وارد عمل می‌شدند. در این سیر به یک عمل زدگی دچار می‌شدند، در جریان عمل، معمولاً ضربه می‌خورند. دوباره جمع بندی می‌کنند که ضعف بینشی داشته ایم و با یستی به کار رتئوریک بپردازیم. این دور و سرگردانی در اغلب مبارزین و گروه‌های رزمنده، مثل مجاهدین وجود داشت.

● دوران جنگ

(کار رتئوریک یا عمل)

در بین رزمندگان جنگ نیز همین سرگردانی وجود داشت. در جبهه و عملیات شرکت می‌کردند. در آنجا سئوالاتی برایشان مطرح می‌شد که تبیین نداشتند. نیا زبه تبیین و انسجام فکری پیدا می‌کردند. می‌خواستند در مورد راه‌ها و بطنه‌ها، خدا، نقش خدا در سرنوشت جنگ، شهادت، آخرت... تبیین داشته باشند.

برخی در پی این نیا زبه حوزه‌های علمیه روی آوردند. پس از مدتی کار فکری در حوزه‌ها با زارضا نمی‌شدند. احساس می‌کردند از جهاد و شهادت و جان بکفی دور افتاده اند. خصلت‌های راحت طلبانه در آنها رسوخ کرده است. در نتیجه دوباره هوای صحنه جها و شهادت به سرشان می‌افتاد.

سرگردانی وی‌بی ملاکی

اشکال اصلی این روش این است که

است. در این روش به محض اینکه موردی اشتباه کنیم، خودمان را نفسانی و پلید و غیر قابل اصلاح می‌پنداریم.

بسیاری از خطاها و انحرافات ما ممکن است در اثر آموزش‌های غلط و برداشتهای غلطی باشد که داریم. مثلاً خدا بی‌گناه ما معرفی کرده اند، از طریق "مخلوق" و "ذهن خودمان" به "اشیاء" می‌رسد. چنین خدای مخلوق ذهن، هیچ حاکمیت ذاتی بر ما و ذهن ما ندارد. هیچ حضور ذاتی و عینی برای ما ندارد. لذا این ایمان به خدا نمی‌تواند ما را از بسیاری انحرافات مانع شود. نمی‌تواند در ما شجاعت و از جان گذشتگی ایجاد کند. خودخواهی و خودمحوری ما را پاکسازی و تصحیح کند. اینجا باید در ایدئولوژی تجدید نظر کرد. در خدای ذهنی خودمان باید شک کنیم و به خدای واقعی ایمان آوریم.

اگر نقش این ایدئولوژی را در خصلت‌ها و در عملکردهایمان ببینیم، احیاناً در اثر تکرار خطا و اشتباهات به این نتیجه می‌رسیم که مثلاً من آدم ضعیفی هستم یا آدم خیلی بدو گناهکاری بوده و دیگر قابل اصلاح هم نیستم. یک یا س و بریدگی کامل به انسان دست می‌دهد که خودش بدترین گناه و فساد است (و لائق تطوایم رحمة الله). این خدای ذهنی ما را به یأس که مساوی کفر است می‌رساند.

● روش سوم:

دور خصلت و معرفت

روش اول و دوم به علت نارسایی و غیرواقعی بودن، بسیاری سئوال‌ها را تبیین نمی‌کنند و به بن بست می‌رسند. برخی این دوروش را تلفیق کرده و یک روش جدید ایجاد کرده اند. در این روش گاه به خصلت و گاه به معرفت و آگاهی اصالت داده می‌شود. در ریشه‌های برخی انحرافات به سراغ مبانی فکری و توجیه فلسفی آن می‌روند. برخی انحرافات دیگر را خصلتی و نفسانی تلقی می‌کنند و برای آنها پشتوانه معرفتی قائل نیستند.

البته نسبت به دوروش گذشته این روش از دیدنا میسم بیشتری برخوردار است اما نارسایی‌هایی هم دارد که در مثالهای زیر بدان اشاره خواهیم کرد.

● قبل از انقلاب

(کار رتئوریک یا عمل)

این روش تحلیل در بین گروه‌های مبارز، قبل از انقلاب و انقلابات دیگر کشورها را پیچیده و هست. مبارزین نیاز داشتند نسبت به انقلاب تبیین پیدا



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما می - هما نظور که هستند) تحلیلها را با زور مینماید، بر آن شدم مجموعه‌ای از اخبار مهم را در بخش ازتیه که به اینکار اختصاص داده‌ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با زوری تحلیل‌های سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلوق افول امپریالیسم. ضمناً " راه‌ها" با این اخبار برخورد فعال میکند.

مصدق شدن آیت الله العظمی منتظری

با عت تعجب و حیرت گردید. از طرف دیگر را جرکوپر جا سوس بلاشک دولت انگلیس بوده که خود نیز صریحاً به این موضوع اعتراف نموده است. جا سوسی که سالها می‌تواند به عنوان یکی از منافع مهم اطلاعاتی انگلستان در ایران اسلامی فعالیت می‌نموده و اخیراً رو تحلیل‌های یوتفا سیر خود را مستقیماً در اختیار سازمان جا سوسی بین کشور قرار می‌دهد است.

با این وجود جای آن داشت که سیستم قضا بی‌شور محاکمه این مهره فاسد استکبار را با سرفرازی و به صورت علنی برگزار می‌نمود تا به دنیا نشان دهد که حقوق قضا بی‌سلامت را ز هیچ مصلحت سیاسی نبوده و متجاوزان دریا بند که در صورت طرح هرگونه توطئه‌ای از سوی آنان که منافع ملی ایران اسلامی را به خطر اندازد در آئینده نیز با قاطعیت برخورد خواهد کرد.

اگر بگذریم از اینکه در حقوق اسلامی کسی که مراحتاً اعلام نماید که: "من با سازمان جا سوسی انگلیس ارتباط داشته‌ام و در تهیه اطلاعات ته‌تحلیل و تفسیر موضوعات مختلف ایران با آن سازمان همکاری می‌کرده‌ام" و باید به جرم جا سوسی در بلاد مسلمین اعدام نمود. آیا نباید این اندازنده‌ها که در این چنین کسی را با بد فقط ۵ سال در زندان نگهداشتند را این صورت چه تضمینی است که از این پس خیل جاسوسان و مهره‌های اطلاعاتی شرق و غرب به ایران اسلامی را زیر نهند؟

براستی چرا با بدجهت ابها مزدایی از سیاست خارجی خود و همزیستی مسالمت آمیز و متما عبایر با جهان خارج اصول اولیه و عقلایی (صرف نظراً از مواضع ایدئولوژیک) خویش را ندیده انگاریم؟ و به راستی کدام می‌خرد گرای بی‌کس

راه‌ها: از قرا را اطلاع آیت الله العظمی منتظری پنجشنبه شب (۷۰/۲/۲۶) هنگام عبور از حیاط منزلشان به علت تاریکی در کودالی که حفر شده بوده است افتاده‌اند. این حادثه موجب شکستگی دست ایشان و آسیب‌های دیگری در گردن ایشان شده است. آیت الله العظمی منتظری سپس برای معالجه و مراقبت پزشکی به بیمارستان منتقل گردیده اند که تا تاریخ درج این خبر (۷۰/۳/۵) هنوز در بیمارستان به سر می‌برند. شفا ی‌کامل ایشان را از خداوند مسئلت می‌نمائیم.

کا روکارگر ۱۷/۱/۷۰
نیایه دفتر تحکیم وحدت در، مورد آزادی را جرکوپر اولاد استگیری و محاکمه کوپر از آنجا بی‌گناه زدیربا زمانع عمده در بهبود روابط سیاسی فیما بین جمهوری اسلامی ایران و دولت انگلیس بوده است و دولت مزبور همواره یکی از شروط اصلی خویش برای صلاح روابط خود با ایران اسلامی را آزادی این به اصطلاحاً زگان انگلیسی اعلام می‌نموده است. لذا از زمان ابتدا دولت ایران تحت فشار قرار داشت تا آزادی را جر کوپر را وجهاً لماً لهما ایجاب شدن بخواهی موجود بر سر تجدید روابط خویش با انگلستان قرار دهد. در همین رابطه نیز اظهار نظریکی از مسئولین وزارت خارجه کشور (آقای دکتر لاریجانی) در این خصوص و اعلام نظر ایشان مبنی بر پیش-بینی قریب الوقوع این آزادی که چند روز قبل از این جریان صورت گرفت



فرا زهای زیباییات
آیت الله خا منه‌ای
به مناسبت روز کارگر
و معلم

ملت ایران از موفقیت‌های گذشته با بد و درس بگیرد: درس اول آن که این موفقیتها در سایه مقاومت به دست خواهد آمد، نه در سایه تسلیم. هر کس تسلیم بر قدرت‌ها شد ذلیل شد. ذلیل بوده دلیل ترش می‌کنند و اگر هم عزیز با شده ذلت می‌کشانندش. می‌بینید دیگتا تور عراق در مقابل آمریکا به چه ذلتی مبتلا شده و ذلت راقبول کرده است. در مقابل مردمش آن جور و در مقابل آمریکا اینجور! عربها مثلیدا رند: " سعد علی و فسی الحروب نعا مه" به ملتش که می‌رسد شیر است و به آمریکا که می‌رسد موش است.

فرا زهای زیباییات مقام رهبری، آیت الله خا منه‌ای در دیدار با فرماندهان نیروی زمینی سپاه پاسداران کیهان ۲۰/۲/۷۰

ما اگر این انقلاب بویانی آن را اسلامی نگه‌داریم، دشمنی بر قدرت‌ها و تصمیم آنها بر قلعه و قمع این بنا هیچگاه کم نخواهد شد و آمریکا و دنیا طلبها و ظالمتها با جمهوری اسلامی ایران هرگز آشتی نخواهند کرد.

کانون معنویت الهی در ایران نفی همه ظلمها، تعدیها و پلیدیها در دنیا را ملاداده است. لذا قدرت‌های جهانی مصمم هستند تا آن را بطور فیزیکی محو کنند و اگر در این کار موفق نشوند آن را از لحاظ کیفیت تغییر دهند. در چنین شرایطی وظیفه ما این است که از یک سو برای مقابله با استعمار معنوی ساده باشیم و از زنده‌نمیدیم که انقلاب ما را از درون میان تهی‌کنند و از سوی دیگر نیروهایمان را کارآمد، فعال، قدرتمند و آماده نگه‌داریم.

آن روزی که نفت را در این مملکت می‌خواهند ملی‌کنند یکی ز رجال پهلوی گفت: ایرا نیکی لولهنک نمی‌توانند بسا زد چگونه میتوانند نفت را ادا ره‌کنند

این فرهنگ که خدا ستعما رگرها تلفیق کردند و ا لقا کردند به ملت‌های مسلمان و استعما زده و به ملت ما، که از شما کاری بر نمی‌آید، صنعت و کشاورزی شما را ما با بد درست و اصلاح کنیم، مدرسه‌تان را ما با بد برنا مریزی کنیم، دولت‌تان را ما با بد بگردانیم. همین ذلتی که خاندان پهلوی لعنه الله علیه و خاندان قاجار لعنه الله علیه بر سر این مملکت آوردند و بر این ملت تحمیل کردند ما را صد سال عقب انداختند.

اگر بخوا هیما این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار گیرد، جز با تربیت نیروی ناسا نی‌کار آمد امکان پذیر است؟ این تربیت را که خواهد کرد؟ این سنگ علی لظا هر تیره را، این فلز علی لظا هر گرفته را کسی خواهد تراشید و صیقل خواهد داد تا به تیغ برنده تبدیل بشود و همه کارانجام بدهد؟

امریکا با همه وجود با ملت ایران و با اهداف این ملت دشمن است اما اینرا می‌دهد انیم. (شماره ۱۰۰ برای امریکای حضا ر) این ملت در باره فلسطین حرف قاطع خودش را زده و امریکا از اودا غدار است این ملت در باره سلطه ظالمانه امریکا حرف خودش را زده و ایستاده و امریکا و استکبار را از این به شدت ناراحت هستند این ملت تمسک و اعتماد قوی خودش را به اسلام و قرآن ثابت کرده و امریکا و دشمنان اسلام به شدت از آن زخم خورده هستند لذا علیه ما تبلیغات می‌کنند و با هرجا بی‌که هر چه اسلام بلند شود مغالط هستند.

از حذف التزام عملی به اسلام این برخوردار درست نیست ... طرحی که تهیه شده و ویژگیهای فراوانی دارد که باید بعد از زنگری قانون اساسی بین اصلاحت انجام می‌شد. بعضی زمامداران اعتقاد داشتند که التزام عملی "یک معنا می‌بهدم ردوبا

امنیت آنها ملموسه قرار گرفته است. (لازمه تذکرات که قبلا مغلطاف در جوابیه ای به عنض آبا دی که به زعم ایشان همان مهدی نصیری سردبیر کیهان است تلویحا گفته بودتما ما بین حرکات برای حذف نیروها و آقا زاده اندیش دروزارت ارشاد اسلامی و ز جمله شخص آقا یخا تصی است)

نموده است. مسئله دیگر زمین است که قرار بوده از طرف شهردا ریقم به عنوان فضای سبز آن استفاده شود ولی پس زمین توسط آقا ی آذری و منسوبین ایشان بطور مشاعی به معرض فروش گذاشته شده است. در پایان اطلاعیه گفته شده آقا ی آذری زرتیبون عمومی و جهانی نما ز جمعه تهران در جهت مناقع شخصی خودشان استفاده می‌کنند.

دا عیبه دست آوردن حدا کثر سود از روابط بین المللی را دارد این راه حل‌های غیر منطقی و غیر عقلانی را تجویز نمی‌نماید.

تحلیل را جرکوپرا زا وضع ایران سلام ۷۰/۱/۲۶

ایران در حال گذراندن یک دوران تقابل شدید بدشولوزیک، میان واقعیت گرایان طرفدار سیاست آقا یرفسنجانی و بیروان خط تندروهاست. جها رحا دشه مهمه این روند تقابل شدید بدشولوزیک سرعت بخشید. پایان یافتن جنگ ایران و عراق، تحکیم قدرت رئیس جمهور و جنگ اخیر در خلیج فارس و ... در حال حاضر مسائل اقتصادی را بران مهمتر از بحثهای بیپایه سیاسی، مذهبی است ... رفتارها در ایران نیز شروع به تغییر کرده است و در این زمینه زکسروات نامی بردونیزا زاینکه تعسدا دی از زندانها نهایش شروع به تراشیدن ریش خود کرده بودند، کوپرمی فزایید

سلام ۷۰/۲/۱۱
اخیرا دادگاه ویژه روحانیون در حکم اعدا متعدهای زروحا نیون را صادر کرده است. آنها متهمانها ادعای بیبامیری، بدعت و جعل روایات واحکا بوده است. نامگروه آنها "مرجعینون" یا "رجعینون" ذکر شده است

سلام ۷۰/۲/۱۱
فردی زخا نوا ده شهدا که دو برادر و اینفرا زیستگان نزدیکش شهید شده بودند به دلیل فروش کتاب آیت الله منتظری (مبانی فقهی) مورد ضرب و شتم قرار گرفت و ۱۵۰ هزار ریال وجه نقد وی نیز یوده شد.

سلام ۷۰/۲/۲۳
در اصفهان دانشجویان علوم پزشکی این دانشگاه یک راهپیمایی وسیع و گسترده به راه انداختند. اعتراض آنان به حرکت ناپسند تجلیل از قاسم معتمدی عنصر طاغوتی و روستا خیزی (که در رژیم سابق رئیس دانشگاه بود) بوده است. بعد از این اعتراض رئیس دانشگاه اصفهان گفته بود سال ما قرار شد شمیم زبغی دیگر هم تقدیر کنیم ولی چون ما سب نبودا سال مسئله وا کسبته شد. نگران نباشید این تب و لرزان بودا ل دیگر از آنها تجلیل به عمل خواهد آمد.

با زسازی اقتصاد ایران مانند اروپای شرقی کارهای ساختنی نخواهد بود ما بسیار مهم است که غرب در این امر به آقاسای رفسنجان کمک کند. زیرا ثبات در ایران تا حد زیادی بستگی به این امر دارد گذشته از این، پیشرفت و تعالی ایران برای غرب نیز مفید است به اعتقاد دوی زمانیکه غرب تحریمهای محدود علیه ایران را لغو کند و ایران بتواند کمکهای مالی و فنی از غرب دریافت کند. طرف یک تا دوسال اوضاع اقتصادی بین کشورها حدی زیاد بهبود خواهد یافت. کوپردر پایان نتیجه گرفته است که موقعیت سیاسی آقاسای رفسنجان بسیار قوی است و بعد از انتخابات سال آینده مجلس ایران و حذف تندروها، موقعیت وی بیشتر تقویت خواهد شد.

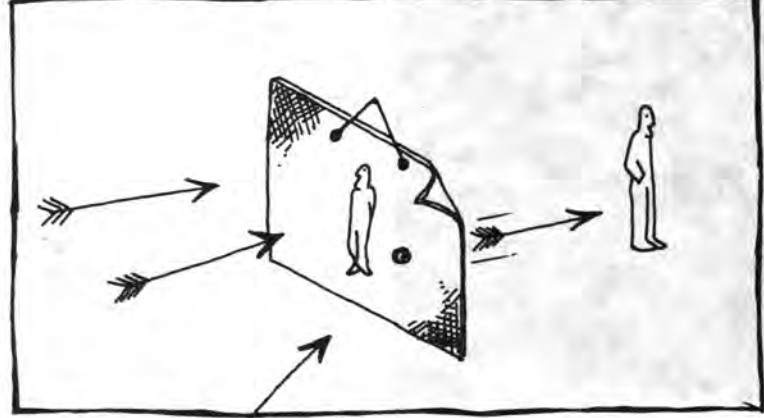
کیهان و جریانه های هنری راه مجا هدم :

روزنامه کیهان تقریبا همه روزه مقالاتی بر علیه روشنفکران از تهیه و جنایات مختلف می نویسد. از جمله مقالات زیاد بر علیه محسن مخلصانی نوشت و مقالاتی نیز بر علیه روشنفکرانی مانند سیمین بهبهانی، رضا براهنی، جواد مجابی، گلشیری و ...

اخیرا تلگرافسی به امضای سیمین بهبهانی، براهنی، مجابی و گلشیری برای آقا یزدی رئیس قوه قضائیه ارسال شده و در آن نسبت به این مقالات که به نام مع، نصرآبادی و مهدی جباری و راضیه تجریشی در کیهان و کیهان هوایی به چاپ رسیده اعتراض و شکایت نموده اند و گفته اند ندانم نشر این اکا ذیبت حیثیت و

رسالت ۷۰/۱/۲۱ توضیحات فرماندهان در مورد سخنان آیت الله آذری قمی

در این توضیحات به انتقادات آقا ی آذری به فرماندهان رژیم جواب داده شد از جمله اینکه قرار بوده زمین در قم به رفع مشکلات تربیت بدنی و ایجاد زمین ورزشی اختصاص یابد ولی توسط پسر آیت الله آذری قمی این زمینها خریداری شده و با عنوان زمین تجاری مسکونی به قیمت های بالا به فروش رفته است. و با اینکه در طرح جامع شهر قم مراکز صنعتی در داخل شهر ایجاد نشده است و رندولیت پسر آیت الله آذری اقدام به احداث کارخانه قند حبه در زمین واقع در ورودی جاده تهران - قم



این فاکتور نمی‌شود فراوانی با بی کرد و صلاحیتها را بررسی نمود و با شتاب بهتر با شد قید دیگری را بگزین شود. در شرایط ریاست جمهوری هم این قید نبود با اینکه رئیس جمهور بعد از مقام رهبری دومین مسئولیت را دارد. در شرایط رئیس جمهوری آمده بود که "معتقد و مومن به نظام جمهوری اسلامی و اسلام" معنای مومن و ایمان یعنی همان اعتقاد و التزام عملی به اسلام.

رسالت ۷۰/۱/۲۰

آقا یفا کرد دبیر مجمع نمایندگان ففلا و طلاب حوزه قم نیز با مورد حمله قرار دادن مجلس بخصوص از آیت الله خلیفای شیدا انتقاد کرده و گفته مجلس کنونی که شورای نگهبان با لایشرش بود، این آتش و کاسه است و ای به حال روزی که نظارت این شورا را بردارند. وی گفته است مجلس صدها میلیون پول این مردم را برای قبردکتر شرعی خرج کرده و در دانشگاه برای مجلس گرفته است.

غرض و زبیهای خطرناک پیرامون قانون انتخابات

آقایان بیاناتنا برب رئیس و اشرفی اصفهان نیما بنده مجلس شورای اسلامی طی مصاحبه ای مطبوعا تیه تشریح طرح پیشنهادی نمایندگان پیرامون اصلاح قانون انتخابات مجلس برداختند که اینک به بخشهای زیرین مصاحبه به نقل از روزنامه رسالت ۷۰/۱/۲۶ انا ره می‌کنیم:

در ابتدا مصاحبه آقا ی بیانات توضیح داد که در این طرح بیش از ۵۰ مورد پیشنهاد اصلاح داده شده است و این پیشنهادها را دقیقاً با هماهنگی وزارت کشور که مسئولان اجرا می‌شوند در اجرا با مشکلاتی روبرو بوده اند، صورت گرفته است.

آقای شرفی اصفهان نیز گفت: یک گله ای ز دست اندکاران رسانه‌ها و جمعیها بعضی افراد را که خیال می‌کردند مجلس یک رسالت داشت و آن هم اصلاح قانون انتخابات بود، و آن طرح هم فقط یک عنوان داشت که عبارت بود

ایشان سپس با اشاره به دیدگاههای مطرح شده در این زمینه گفت: از آنجا که این کلمه "التزام عملی" خوب و جامعی شده بر سر مجلس و دیدیم تلقی دیگری از آن می‌شود خدا ینا کرده نیروهای نقلی و مومن و روحانیون میا زور و حاکمیت میا رز و شخصیتها ممکن است در آینده روبروی هم قرار بگیرند، بنده و آقاسای بیانات و جمعیها دیگران زمامداران پیشنهاد دادیم که این "التزام عملی" با همان ترکیب قانون قبلی بماند. ولی برای رفع اینها یک تبصره اضافه شد.

آقای بیانات در ادامه به شرح تبصره اضافه شده پرداخت و گفت: بنده معتقدم به جای "التزام عملی" کلمه "تقوی" باشد. با عبارتی که به لحاظ حقوقی و فقهی قابل تعریف باشد. ... تشخیص صلاحیت به عهده هیئت اجرایی است. اما در آن به خاطر با حقوقی، رایش را با بدادگاه بدهد. ...

آقای بیانات با اعلام این خبر که عده ای رفته بودند نزد آیت الله العظمی گلپایگانی که به داد دبیر سیدویک چیزی مرقوم بفرمائید، به ملاقات آقا ی کروی با ایشان اشاره کرد و گفت که پس از این ملاقات و شرح و تفصیل مسئله، ایشان می‌گویند من از اول هم فکر می‌کردم که

مسئله همین است و آنها بی‌که جار و جنجال ایجاد می‌کنند یک سری انگیزه‌های سیاسی را دنبال می‌کنند و در آنجا آن پیشنهادها را فاکتور کردن تبصره را داده بودند.

التزام عملی به اسلام با این وسعت و با ریکه‌ها در امکان است در آینده بگویند فلانی در نطق قبل از دستور، حرمت فلان آقا را برد، پس مرتکب محرمات شده، پس التزام عملی نداد، فوا دگریمی که درس خارج خوانده، سطح را تمام کرده، طلبه خوبی است آدام نشگا هی است به همین دلیل که گفتند شما در سخنرانی قبل از دستور دروغ گفتید، صلاحیتش را رد کردند و گفتند التزام عملی به اسلام ندادید.

آقای بیات با اشاره به این نکته "شرايطی که در وصیتنامه ما مأمودة" پیشنهاد دوی بوده است، اما مه‌اد: دعوا، دعوی التزام عملی نیست. دعوا این است که ما در یک ماده‌ای محدود نظارت شورای نگهبان را مشخص کردیم و اصل بحث این است. ما معتقدیم شورای نگهبان ناظر است نه مجری، بنا بر این صلاحیت و عدم صلاحیت ربطی به شورای نگهبان ندارد، لذا نظارتش با یکدیگر محدودیتی هم در آن ایجاد نشود....

در ادامه آقای شرفی صفا نی گفت: متأسفانه کسانی که از حذف قید التزام عملی منتقا دکردند هیچوقت نگفتند که جایگزین آن چه چیزی شده است. آن آقا که در تریبون نماز جمعه صحبت می‌کنند بگویند که این کلمه را برداشتن آن کلمه را جایگزین کردند و یک قدری هم بی‌غرض و مرض حرف زده شود....

آقای بیات هم در پایان مصاحبه تاکید کرد ما زهمه می‌خواهیم نظرات و پیشنهادهای خود را پیرامون این طرح ارائه کنند. وقتی ما مه‌اد: مع مدرسین منتشر شدن با حاق آقا شرعی‌نما بنده قم و یکی از اعضای ما مع مدرسین گفتم شما که سیرت‌تصویب طرحها و لوا بجز می‌دانید (که ایشان قسم خوردند که در جریان نامه نبوده) آیا بهتر نبود که این آقایان از من یا رئیس مجلس و یا نمایندگان سوال می‌کردند و سپس پیشنهادشان را مکتوب ارائه می‌کردند و ما هم طبق شیوه مجلس وقتان عمل می‌کردیم؟ و لسی اینکه ی‌نگونه برخورد کنند پیدا است که از ابتدا تقریباً دنبال یک اهداف و مسائلی بودند.

با آوری می‌شود آقا بیات در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه سلام (سورخ ۷۵/۱/۲۶) نیز نظرات خویش را پیرامون این طرح و برخوردها بی‌که با آن شده، عنوان نموده است که به دلیل تکرار عمده مطلب به ذکر یک محور از آن مصاحبه اکتفا می‌کنیم:



ایشان به بیان ویژگی‌های مجلس سوم پرداخت و به آن پیام تاریخی ما مدرستانه انتخابات مجلس سوم اشاره کرد. که فرمودند: به کسانی بدهید که از اسلام پارهنگان دفاع می‌کنند نه از اسلام آمریکا بی‌وی همچنین به توطئه‌های جاری علیه مجلس پرداخت و گفت:..... مجلس اکثریت نمایندگان را زیر سوال بردند.

ایشان خودشان را به‌جا معادین نسبت دادند که آن‌جا معها بیدریک جایگاه هدایت و ارشاد مردم قرا ریگردد.... یا توسط یک آقا بی‌حرفی زده می‌شود که خلاف نظر صریح ما مومقار رهبری است و آن اینکه مجلس را منحل کنند... در جریان با زنگری (قانون اساسی) من آنجا بودم همین آقایان که امروز مسئله انحلال را مطرح می‌کنند، آن روز هم مطرح کردند، منتهی مقام معظم رهبری بعد از آن‌ها که نمایندگان محترم مجلس نوشته بودند با صراحت فرمودند که انحلال مجلس را مطرح نکنید. این کار بسیار خطرناک است... رسانه‌های گروهی هم که ری‌کنند که با به بدعتی را بگذارند که نتیجه آن کنسار گذاشتن مردم و آزادی مردم و بازگرداندن استبداد دوی بعضی زجرها ناست شود....

راه مجاهد:

حدود دو سال است ززمه‌های بی‌در جهت انحلال مجلس شنیده می‌شود که فراز و نشیبها بی‌همداشته است این قضیه‌گامی تا مرز عملی شدن هم پیش رفته ولی به هر حال عملی نشده است. تا بی‌که حادشه تلخ به توب بستن مجلس اول انقلاب مشروطه در اذهان تدا می‌گردد. برای از بین بردن زشتی آن اقدام چنین توجیه می‌کنند که بالاخره محمدعلی‌نای هم مقلد

قضا شده است. ۲- احضار یک نماینده مجلس به خاطر نطق پیش از دستور بدون در نظر گرفتن حریم قانونی نمایندگان و اینکه نماینده وظیفه قانونی دارد مطالبی را که به نظرش می‌رسد در نطق مطرح کند. ۳- فراخواندن به‌دگاه انقلاب که محل رسیدگی به جرائم ضدانقلاب و قاچاقچیان است.

سلام ۷۵/۲/۲۵

آقای ناطق نوری‌نما بنده مجلس (وزیر سابق کشور) آقای صالح‌بادی نماینده مشهد را تهدید کرده که جای همه کسانی مثل تودرزندان اوین است و حاشی زاده (نماینده بیرجند) نیز سرنوشتی بهتر از تونخوا هداشت.

رسالت ۷۵/۲/۲۸

آقای ناطق نوری‌نما بنده در مورد تهدید و نما بنده (آقایان صالح‌بادی و حاشی زاده) گفت: من در قالب مزاح به آقای صالح‌بادی دی‌گفتم به رفیق خود بگویند با جمله کردن به شورای عالی امنیت ملی و اسرارشورا را فاش کردن، ممکن است به سرنوشت تو گرفتار شود.

رسالت ۷۵/۲/۲۸

آقای ناطق نوری‌نما بنده در جمع اعضای کانون جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی در مورد مجلس چهارم گفت: مجلس دور چهارم را اهمیت فوق‌العاده می‌خوردا راست و دولت تنها در صورتی می‌تواند به جرای برنا مه‌ای خود اده‌دهد که مجلس آینده برای جرای برنا مه‌ای مورد تاشد. امام، رهبری و آقایان شمشیر یا ری‌دهند. وی مشکلات فعلی را ناشی از جنگ دانست و تکلیف امروز را حضور در تمام محله‌ها از جمله انتخابات دانست. وی با حمایت از رهبری و آقایان شمشیر، برخی نمایندگان مجلس را در خط تضعیف دولت و مجلس و در نهایت نظام دانست. آقایان مجیدان نیز در همین جلسه سخنرا نی‌کرده و ضمن حسانستن انتخابات آینده مجلس گفته است در این چندسال تمام مسی توطئه‌های دشمنان اسلام خنثی شده و آخرین امیدها آنان در جریان انتخاب آیت‌الله‌ها منتهی به بی‌تبدیل شدن بعضی زدنستان عصابی در جریان این انتخابات نمی‌دانستند چکار بکنند.

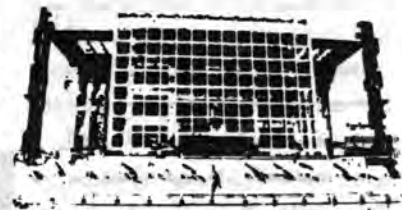
سلام ۷۵/۲/۲۳

اخیرا در بی‌درخواست شورای امنیت ملی، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌دگاه انقلاب فراخوانده شده تا نسبت به نطق پیش از دستور خود توضیح دهد. روزنامه سلام در سه محور عمل فوق را نقد کرده است: ۱- کارشورای امنیت ملی تداخل در وظایف قوه

سخنان آقای ناطق نوری در باره سلام رسالت ۷۵/۲/۲۹ ویدر مورد روزنامه سلام گفته است: اگر با همین تندبیش بروی قهر مسئولین جلوی آن را خواهند گرفت. ممکن است طرح حذف التزام عملی در

مجلس تصویب شود و شورای نگهبان آن را رد کند و به شورای تشخیص مصلحت برود اگر قرار باشد با کشورها بی‌کتاب آمریکا، اسرائیل و شوروی ارتباط دارند در رابطه نکنیم منزوی می‌مانیم پیریزی تشنج زدا بی‌درروابط با کشورها از فرمان اما مخمینی بود.

اخبار مجلس



توضیح:

نطق قبل از دستور آقای صفرزاده که ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، در آبان ماه سال ۶۹ پس از قضا با بی‌مربوط به انتخابات خبرگان دوم رهبری ابرار شده بود که متأسفانه در شماره‌های گذشته موفق به درج آن نشدیم.

ولیا رانجا بی‌کتاب:

اولاً مواضع مطرح شده در این نطق، عمدتاً مواضع کلی و فکری، سیاسی است و نه صرفاً مسائل روزمره در آن شرایط خاص. ثانیاً مسائل و مباحث مربوط به انتخابات مجلس چهارم از هم‌گنون در جریان است و این سخنرا نیز درگیرگیرنده مسائل مربوط به انتخابات دیگری که صورت گیرد، نیز می‌باشد، درج آن را در این شماره خالی ز لطف ندیدیم.

نطق قبل از دستور آقای صفرزاده نماینده تهران رسالت ۶۹/۸/۲۳
اختیار و آزادی و ویژگی
خدا دادی انسان است

... انسانها جا نشین خداوند در زمین و آیت‌های الهی هستند، انقیاد و پذیرش مردم در حاکمیت و سرنوشته‌شان ناشی از حاکمیت خداست در حکام الهی که بر اساس فطرت و سرشت حقیقی‌شان و جهان پایه‌ریزی شده است. تغییر و تبدیلی جایز نیست و حکم‌شاه مقدس بر ولایت هر کس به خودش مقدم می‌باشد. لکن در هر زمان و مکان نباید توجه به محیط، تاریخ، تکامل اجتماعی - فرهنگی، تبدیل و تحول اوضاع زندگی، دستاوردهای بشری قوانین و مقررات وجود دارد که حکم خدا نیز شریعت شمرده نمی‌شود و می‌بایستی آن‌ها را در آنجا که معادرتصمیم و اجرای آن

دخیل باشند و مسئولیت منافع و مضار آن را بپذیرند و دلواپس باشند که مشروعیت آن منوط به امضای ولی است. مرها شد که هست در جهان - بینای سلامی، اگر از مرزهای ملیت فراتر می‌رویم به جهتی است که تمام معیارهای تئوریک، فقهی، میراثی و فنی گسرداری میان انسانها نفی شده است. سلام می‌گوید: انسانها آزادند، آزاد آفریده شده‌اند. و در ایام انتخاباتی انتخاب می‌باشند. اصل مساوات نه یک پیش شرط اخلاقی است و نه برعکس مساوات رایج در اندیشه یونانی مشهور به شرایطی نظیر نظام شهری است. آزادی انسانها و حقوق انتخاب در اسلام نه عارضی و موقت است و نه تشریفاتی و سمبلیک، حتی در مباحث ولایت نیز رجحانها سیاسی، شخصی و طبقاتی نمی‌تواند جایگزین قوا عدل و قانونی شود. عزم مردم و راه همگانی در دوره غیبت معصوم نه تنها اصل است بلکه می‌توان گفت ولایت منهای پذیرش و حاکمیت ملت صورت تحقق و جنبه فعلیت نمی‌پذیرد و به همین دلیل ما لیا ن در ایام است که این فعلیت معطل مانده و فقهی‌ها از زمانه ندهی یک حکومت اسلامی محروم بوده‌اند. لذا پذیرش راه مردم شرط لازم آن تحقق می‌باشد. وقتی در جهان بینای سلامی مردم به عنوان خلیفه و جانشین خداوند حق تعیین سرنوشت خود را دارند و این حق خدا دادی است قطعاً تعارضی با حاکمیت خداوند ندارد. حق حاکمیت مردم بر سرنوشته‌شان چیزی است که به صورت قدرت ملی و حق حاکمیت و یا آزادی کامل به ولی و سرپرست جا معه تفویض می‌شود.

جایگاه و نقش مردم در قانون اساسی

در قانون اساسی که حاصل زحمات خبرگان ملت و توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی اکثریت مردم ایران تأیید شد، در اصل ۵۶ آن به صراحت آمده است: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند است و انسان را بر سرنوشته اجتماع خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعدی آمده، اعمال می‌کند." یعنی حق حکومتی که از آن خداوند در دست است. حضرت امام می‌فرمایند: "پشتوا نه یک حکومت ملت است" اگر ملت پشتوا نه حکومتی نباشد، این حکومت نمی‌تواند برقرار باشد. اینجا آراء ملت، حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگانها را ملت تعیین کرده است و

تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و این امکان ندارد. در مقدمه قانون اساسی آمده است: "چون هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است. والی الله المصیر" این جزو درگرومشارکت فعال و حضورتاما می‌عناصرا اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه‌چینی مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت ما زیرا همه افراد اجتماع فرا هم می‌آید. این همان تحقق حکومت مستضعفین بر زمین است.

نقش مردم در حکومت اسلامی

در جای دیگر قانون اساسی آمده است: "حکومت از دیدگاه اسلام تبلور آن انسان سیاسی ملت می‌گردد و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد." از طرفی نظام ما، جمهوری است. جمهوری رکن رکن و اصل نظام است، درست در کنار اسلامیت نظام. اهداف جمهوری اسلامی و جمهوری بودن حکومت و نیز دارها مورکشوریه است. آراء عمومی و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است یعنی امکان ندارد جمهوری نظام حذف شود. حذف جمهوری نظام مثل حذف مذهب اسلامیت و الهیت نظام می‌باشد هیچ‌یک از اینها در زمانه برای حق را مردم با جمهوریست نظام پذیرفته شده نیست.



هیچ‌کس حق ندارد آزادی‌ها را سلب کند.

اصالت را مردم و نقش آن در تفویض حاکمیت ملی به سرپرست جامعه که موجب بسط پیدا می‌شود در بخش اول اصل ۱۰۷ قانون اساسی، هنگامی که برای رهبری حضرت امام از کلمه اکثریت قاطع مردم استفاده کرده است می‌توان دید. حضرت امام که با رهبران، مردم در راه پیمایشها به نام دستور و رفتار اندوم کردند و بسا ایشان بیعت کردند، در اولین ساعت ورود به ایران در بهشت زهرا فرمودند: "شما دولت تعیین می‌کنم من به پشتبانی"

این ملت، دولت تعیین می‌کنم. من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد، دولت تعیین می‌کنم، دولتی که ما می‌گوئیم دولتی است منتهی به آراء ملت و منتهی به حکم خداست.

از طرفی ما معتقدیم ولایت امام همان راه انبیا و ائمه معصومین (ع) است که تکمیل دین و تکمیل نعمت مسلمین می‌باشد. برخی‌ها پیدا بنگونه بیندیشند که مردمنا فی اصل ولایت فقیه مصرحه در اصل ۵ و ۱۰۷ قانون اساسی است که باید گفت، این مکمل آن است به همین دلیل بلافاصله پس از اصل ۵، در اصل ۶ بنگونه آمده است: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به آراء عمومی داده شود." آیا در اصل نهم قانون اساسی که می‌گوید: "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌ها را مشروعاً هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید."

حکومت اسلامی یعنی حکومت الهی از پایه‌ها

اما می‌فرمایند: "میزان رای ملت است" در جای دیگر می‌فرمایند: "بها نه‌ها را کنار بگذارید، از خدا بترسید، با ملت شوخی نکنید، رای مردم را نباید به هیچ بگیرد، مردم را به حساب آورید." به همین دلیل حکومت اسلامی یک حکومت از بالا به پایین منتهی مردم نیست. اگر به نظر شما مردم با لایحه‌ها و حقشان الهی است حکومت از بالا است و اگر نه حکومت اسلامی یعنی حکومت وحی، اما اگر در حکومت اسلامی موضوع اصالت را مردم، حاکمیت ملی، انتقال و تفویض قدرت مردم به رهبری، کم‌رنگ شود چه خواهد شد و گرفتار چه کسانی خواهد شد. قطعاً با شعار حکومت اسلامی منتهی مردم‌وادی همان کسان خواهد بود که می‌گویند تشکیل حکومت در زمان غیبت باطل است و به جای سیاسیات و اقتصادیات و اجتماعات می‌توان به اخلاق و عبادت شخصی در حکومت طاغوت بسنده کرد. یعنی با زکشت تخریب و پس‌گرا بی‌فکری، یعنی اینکه به مردم بگوییم بروند سراغ کارشان.

اهمیت حضور مردم در صحنه از دیدگاه امام (ره)

ما قیم هستیم و تصمیم می‌گیریم. حضرت امام شاعر جدا بی‌دین از سیاست و حکومت قبل از ظهور امام (عج) باطل است. را گمراه کننده‌ترین شاعر می‌دانستند و می‌فرمودند: "پرونده تفکر مقدس‌مآبان همچنان با زاست و شیوه مقدس‌مآبی و

دین فروشی عوض شده است .
 ۱۰۰۰ بین تفکر در قضا یا انتخابات
 مجلس دوره دوم در قالب دیگری ظهور کرد .
 که مورد غضب و تهاجم اندیشه ما مقرر
 گرفته است ما در آن ماجرا که در ششمین
 سال انقلاب رخ داد ، فرمودند : "انتخابات
 در انحصار هیچکس نیست ، نه در انحصار
 روحانیون است نه در انحصار احزاب ،
 انتخابات متعلق به همه مردم می باشد .
 سرنوشت مردم در دست خودشان است و
 انتخابات برای تحصیل سرنوشت شما
 ملت است نه نشانگان بدانند همانطور
 که یک مجتهد در سرنوشت خودش باسد
 دخالت کند ، یک دانشجو جوان هم باید
 در سرنوشت خودش دخالت کند . آن وقت
 شیطنت این بود که سیاست از مذهب
 خارج است ، حالا میگویند : سیاست حق
 مجتهدین می باشد ، آنگاه ما مآدم را
 می فرمایند : "یعنی مردم بروند سراغ
 کارشان و هیچکس را به مسائل اجتماعی
 نداشته باشند و چند نفر پیر مرد ملا بیایند
 دخالت کنند ، این از آن توطئه سابق
 برای ایران بدتر است برای اینکه آن
 یک عده از علما را کنار می گذاشت ، این
 شما ملت را کنار می گذارد"

.....
 به دلیل اصولی که به آن معتقدیم
 در بیعت با مقام رهبری
 پای می فشاریم
 علی رغم اینکه با رها ما در مواضعمان
 تا کید کرده بودیم ، با زما به همان
 جویی را ندند که خودشان می خواهند ، بر
 اساس مجموعه استدلالی که بنده ارائه
 داده و اعتقاد است که در ایمن و دیگر
 همفکرانمان مثل مردم در بیعت با مقام
 معتمد رهبری و ولایت ایشان پای می فشاریم
 و اگر نسبت به راه ای زما مثل مطالبی
 گفته ایم ، پیروی از مکتب آن حکیم
 فرزانه ای بوده است که انقلاب را
 پایه گذار کرد و فرمود : "درجا معادله
 همه با بدبا انتقادها و طرح شکالات راه
 را برای سعادت جامعه با زکنند ، و در جای
 دیگر فرمودند : "ما گمان می کنیم هر چه
 گفتیم ، هر چه کردیم و کسی را حق اشکال
 نیست ، اشکال و بلکه تخطئه یک هدیه
 الهی برای رشد انسانها است"
 راه ما هد :

به نظر می رسد موضوعات ارائه شده در
 این بحث تنها نظر آقای صغرزاده نباشد ،
 بلکه جریانی قوی در مجلس ، مجمع روحانیون
 میارزو ... هم ، موید نظریات فوق باشند .

تذکراتی پیرامون تحقق اهداف و
 سالم سازی اقتصادی کشور
 آقای الویری نماینده تهران
 رسالت ۶۹/۱۰/۲۷

جوسا لمسیا سی لازمست فضا لیم برای فعالیتها
 به انقلاب در صحنه است
 لازمست فضا لیم برای فعالیتها
 سیاسی بجا دودوتا کلیه نیروهای مومن
 به انقلاب اسلامی بتوا نند با دلگرمی
 تمام در صحنه با زما زی کشور حضور یابند .
 سال دیگر انتخابات شوراها و مجلس
 شورا ی اسلامی در پیش خواهد شد .
 همه با بدر صد با شیم فضا لیم را لیمی که
 در جریان خبرگان پیش آمد تکرار نشود
 که در این صورت لطامات جدی به اقتصاد
 کشور وارد خواهد شد .

چرا نامه مورخه ۸/۱/۸۱ م (ره) به
 آیت الله منتظری را تحقق نمی دهیم؟

انقلاب ما اسلامی است و مبتنی بر اصل
 ولایت فقیه ، با بستن شرایط فرا هم
 آوریم تا همواره فقه حضرت امام (قدس
 سره) که از درون آن ضرورت تشکیل
 حکومت اصل ولایت فقیه و احکام حکومتی
 می جوید ، حوزه و نظام را گرمی بخشد ،
 بی توجهی به این مسئله ، ممکن است
 دیدگاهها و طرز تفکری در حوزه ها حاکم
 نما بد که نظام پشتوانه اعتقادی خود را
 از دست بدهد . در این راستا از مسئولین
 می خواهم شرایطی را فراهم آورند تا نامه
 مورخه ۸/۱/۸۱ حضرت امام منتظری را بدو
 مردم بتوا نند از نظرات فقهی مرجع
 عالیقدر ما هدستوه حضرت آیت الله
 العظمی منتظری استفا ده نما بند ، توجه
 داشته باشیم که تحقق برنام رهبریهای
 اقتصادی در کشور ما بدون پشتوانه فقهی
 بسیار دشوار است

مصرف گرایان و رفاه ، موریانه ای
 که درخت استقلال را ساقط می کند .

گرایان رفاه در مرحله با زما ری
 موریانه ای است که درخت استقلال و
 خودکفایی را ساقط می کند ، تریبونهای
 نما زجمع و موا جیه های مسئولین در این
 مرحله حواس باستی مردم را دعوت به
 صرفه جویی وقتانعت نما بند تا با رضایت
 عامه سرما به گذاری های زیر بنایی
 صورت پذیرد .

ضرورت هما هنگی با قانون و
 مصوبات مجلس
 جهت تحقق برنامه پنجاه و بیست و
 وضعیت اقتصادی کشور ، ضروری است
 تصمیم گیریها از مجاری قانونی صورت
 پذیرد . من خاضعانه از دولت می خواهم
 اکنون که اکثریت قاطع نمایندگان
 مجلس حاضر است می باشد اگر مخالفتی

وجود دارد با حسن نیت صورت می گیرد ، از
 دریا فت مجوزهای خاص در موا ردی که
 احتیاج به مراجع مجلس دارد ، خودداری
 فرمایند ، اینگونه مجوزها اگر چه ممکن
 است مشکل امروز دولت را حل نما بند ،
 اما به دلیل نا هما هنگی با مجموعه
 تصمیم گیریها برای فردا و دولت مشکل
 درست می کند .

آقای صالح با دینا بنده مشهد در جلسه
 ۲۵/۱/۷۵ در نطق قبل از دستور خود
 مطالبی پیرامون سیاست خارجی ، تحولات
 داخلی و مسائل اقتصادی بیان داشت که
 خلاصه آن از نظر خوانندگان می گذرد :

● قربان علی صالح آبادی

نماینده مشهد
 ● اینجانب قصد
 مخالفت و یا تضعیف
 شورای عالی امنیت ملی
 و رهبری را نداشته ام



(متن کامل رسالت ۲۶/۱/۷۵)

حما یت همه جا نبه از انقلاب فلسطین
 ایشان در بخش زرخان خود از
 مسئولین نظام خواست تا به حمایتهای
 سیاسی ، نظامی و مالی از قیام همه جا نبه
 فلسطینیان و آن دسته از آزما نه های
 انقلابی را از سر زمینهای اشغالیه که
 تدارک کننده مبارزه مسلحانه هستند ،
 بپردازند . در همین راستا وزارت خارجه
 نیز تلاش نما بد تا با کمک گروهی از
 کشورهای انقلابی و مستقل و نهضت های
 آزادی بخش منطقه یک جبهه باسداری
 ا بجا دنما پذیرد در صورت شکل گیری
 چنین جبهه ای منطقه برای قاصت دائمی
 آمریکا و متحدینش نا امن خواهد شد .

نقد برخی از مواضع شورای عالی
 امنیت ملی
 ایشان در بخش دیگری زرخان خود
 به نقد و بررسی برخی مواضع شورای عالی
 امنیت ملی پرداخت :

- ۱- برقراری رابطه مجدد با دنیا دولت
 انگلیس در شرایطی که هنوز نیروهای این
 کشور در منطقه حضور دارند .
- ۲- برقراری رابطه مجدد با عربستان با
 فراموش کردن همه مواضع گذشته و در
 شرایط حضور بخش عظیمی از نیروهای
 استکبار در آن کشور .
- ۳- برقراری رابطه با مصر ، مدافع طرح
 کمپ دیوید و متحد جدیدی آمریکا و انگلیس
 در مناقشات سال گذشته منطقه .
- ۴- لغو بخشنامه دولتهای شهید رجایی و
 مهندس موسوی مبنی بر منع خرید و فروش از

موسسات آمریکا بی دروا خوسال ۶۹ از
 سوی معاون اول رئیس جمهور بدون ذکر
 دلایل و محاسن این اقدام .

۵- اتخاذ روش بی طرفی در قبال بحران
 خاورمیانه و سپس خارج شدن از حالت بی طرفی
 و رها شدن برقراری صلح با بدبا ریبین
 ایران و عراق بر اساس قطعنامه ۵۹۸ .

۶- آزادی جاسوس انگلیسی ، را جرکوپر
 توسط قوه قضا ئیه با یک خبردو خطی ،
 شوالات فرا و انرا در سطح کشور با جد
 نموده است

۷- درخواست بعضی زما تا ز نیروهای
 چند ملیتی جهت حل و فصل مسائل داخلی
 عراق .

برداشتی استراژیستیک از
 حذفها و تعدیلهای

آقای صالح با دینا بنده ما بحث خود
 به این مسئله می پردازد که نتیجه چنین
 تصمیماتی است که بوش در موا جیه اش
 می گوید : "ما ایران را در موضع روابط
 دو جانبه تحت فشار قرار می دهیم و در
 مورد ایران روند به صورت تحولی پیش
 می رود ، وی همچنین امیدوار است که
 ایران بتوا ند نقش میان روترو با
 حداقل کمتر افراطی تری را ایفا نما بد .
 آنها در تجزیه و تحلیلها ی خود می گویند :
 "در ایران کنونی ما نیروها و واقع بینها
 بر رادیکالها و تندروها غلبه نموده اند ،
 و دلیل آن را هم اتخاذ سیاستی مثل
 تندروها به تعبیر آنها و در واقع مدافعین
 خط امام و ارزشهای انقلابی و مخالفین
 غربگرایان و سرما یه داران سلطنت و
 حذف این نیروها از مجلس خبرگان
 تعیین رهبری می دانند .

تقاضای زما مقام رهبری
 ایشان با بیان این واقعیات تلخ
 از مقام رهبری درخواست نمود تا جلوی
 منزوی نمودن نیروهای صیل را که
 می توا نند پشتوانه انقلاب در نظام باشند
 و استقلال کشور را تضمین نمایند ، بگیرند
 از جمله جلوی توطئه ای که برای حذف
 این نیروها از مجلس شورای اسلامی در
 حال شکل گیری است .

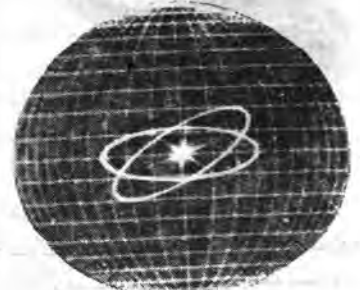
منشاء گرانسی و تورم
 ایشان در بخش زنتیق خود به تشریح
 اوضاع نا بسامان اقتصادی کشور پرداخته
 و مطرح نمود : از جمله این نا بسامانیها
 عدم کنترل در خرید و فروش انواع
 کالاها در سطح کشور ، است که فروشندگان هر
 طور می خواهند عمل می کنند ، خریداران
 بیچاره هم مجبور به خرید هستند . روشها
 کردن قیمت به حال خود ، زما نی است که
 میزان عرضه و تقاضای انواع کالاها با هم

برای بر روی میزان عرضه برتقا فزونسی داشته باشد. در حالی که در کشور ما میزان تقاضا چندین برابر میزان عرضه و توان تولیدی انواع عگالا می باشد. لذا دولت و دستگاه قضا بیایا بیدا زسیستم نرخ گذاری که یک روش شناخته شده در سطح جهانی است استفا ده کنند. مسئولین و مجریان امور اقتصاددی کشور هم متوجه این امر باشند که عامل بسیاری از این نابسامانیها سیاست اقتصادیدرها یباز، با ورود ارز رقابتی به جای ارز رسمی و تزریق آن در جامعه است.

راه مجاهد:

مخالفین دولت مهندس موسوی به دلنژان را "دولت قیمت گذار" نامیدند در حالی که ما مدولت ایشان را "خدمتگزار" می دانستند. مرحوم امام تصریح کردند که فکر نکنید که اگر دولتی به جای آقای موسوی بیاید می تواند با تورم مبارزه کند. برخی هم می گفتند منشأ گرانی دو قیمتی بودن دلار است حال با بیایدایی برای گرانیدوز فزون داشته باشند.

اخبار منطقه



کیهان ۷۰/۲/۱۰

عراق و کاسوس تجزیسه

چند روز پیش از تاجا وزا اسرائیل به لبنان در ماه ژوئن ۱۹۸۲، روزنامه اسرائیلی "ماریو" گزارش سری و محرمانه ای را که وزارت جنگ این کشور دربارها استراتژی اسرائیل در دهه هشتاد آمده کرده بود منتشر ساخت. این استراتژی بر اساس جدا سازی و تجزیسه کشورهای منطقه خاور میانه بر مبنای اختلافات مذهبی و نژادی استوار است.

نویسنده گزارش نظر می دهد که مصر به دو قسمت مجزای متشکل از قبضه ها و مسلمانان تبدیل شود. سودان و لیبی نیز سر نوشتی شبیه مصر داشته باشند، ساختار سیاسی جزیره العرب بخصوص عربستان دستخوش درگیریها و اختلافات سیاسی می شود. اردن در این گزارش نزدیکترین هدف استراتژی اسرائیل است و باید یک دولت فلسطینی جایگزین ملک حسین شود تا کشور تجزیسه شده و اسرائیل اعصاب کرا نه با ختری ا به اردن انتقال دهد. این گزارش سر نوشت سوریه و عراق را

بی.بی.سی. ۷۰/۱/۲۸

مصاحبه آیت الله خویسی با

خبرنگار بی.بی.سی.

عراق تعدادی زخیرنگاران غربی را به نجف و کربلا برد، آنها زآیت الله خویسی نیز بیدا رکردند، آیت الله خویسی در مورد قیام علیه صدام گفت: قیام علیه صدام، قیام علیه قانون است. قانون خدا، وی شغال کوبیت توسط عراق را تا شید کرد ولی در مورد شکست عراق گفت: به خاطر این بود که عراق، صدامش زیبا دیند نبود.

رسالت ۷۰/۲/۴

روایت مصر و ایران

مصاحبه روزنامه رسالت با مسئول دفتر حفاظت منافع مصر در تهران:

س - اهداف مصر در پذیرش کمب دیوید چه بود؟ - چ کشور ما در طی سه جنگ ویرانگری اسرائیل صدها هزار انسان و اقتصاد عظیم خود را از دست داد، دیگران که صلح با اسرائیل را به ما اشکال می گیرند کنا رگودا ایستاده اند... امروز می بینیم که کشورها همسایه اسرائیل با او همکاری دارند و عملاً به چیزی شبیه کمب دیوید عمل می کنند (مثل سوریه و اردن).

س - در مورد سیستم امنیتی منطقه آیا مصر قصد دارد نقش ایران را حذف کند؟ - مصر چنین قصدی ندارد. وقتی صحبت از زگسترش سیستم امنیتی به میان آید و حوزه آن وسعت پیدا کند طبیعتاً برای ایران نیز نفعی مهمی مطرح خواهد بود و همینطور برای ترکیه و پاکستان و دریانده نزدیک انشاء الله برای افغانستان اسلامی.

س - با توجه به کمک مصر به عراق در جنگ با ایران احساسات نسبت به گذشته چیست؟ - چ مصر در طول سال به عراق کمک نکرد. بعد از عملیات فائو و وارد شدن ایران به خاک عراق بود که مصر به عراق کمک کرد. ما به عراق سرباز هم نفرستادیم. فقط تعدادی کارگر به اجبار به جبهه فرستاده شدند. همای نظور که مردم عراق را مجبور کرده بودند.

س - اموال ایران در مصر بلوکه شده، آیا امکان گشایشی در این زمینه هست؟ - چ در این مورد مدیریت بانک ایران و مصر را لیک با ریطور متناوب در ایران و مصر تشکیل جلسه می دهد. ما حاضریم اوها سیرا که گرفته ایم بپردازیم.

کیهان ۷۰/۲/۲

نظم نویسن جهانسی

ارزیا بیجا مسکی (منتقد سرشناس سیاست خارجی آمریکا) ز نظم نویسن جهانسی،

نگته اصلی نظم جهانسی این است که

چا مسکی منتقد سرشناس سیاست

خارجی آمریکا:

حفظ نظم نویسن جهانسی به خدمت

درآمدن تمام می جهان برای ترمیم

اقتصاد در حال زوال آمریکا و

انگلیس است اروپا و آلمان و ژاپن

وظیفه تغذیه اقتصاد دی اروپای شرقی

و آمریکا لاتین را به عهده خواهند

داشته بقیسه جهان سوم هم از

کانهال خشارها یا اقتصاد دی در صورت

لزوم با توسل به زور کنترل خواهد شد.

یک مخالف بسیار ضعیف تر را نمی بایست

شکست داد، بلکه باید با او برخورد کرد.

بوش یکی ز معدود رهبران است که به

خاطرات استفا ده غیر قابل زور توسط

دگانه لاهه محکوم شده است، و درخواست

دگانه برای اپرداخت غرامت به خاطر

این جنایتها را ندیده می گیرد. در حالی

که خود او در دستهای تقاضای غرامت

از عراق کرده اند. در سال ۱۹۷۱ که بوش

سفیرا آمریکا در زمان ملل شد.

قطعه نامه های زیبا دیرا و تو کرد و به همراه

انگلیس را دهانجا موظف ساخت زمان ملل

در حفظ صلح را سدر کردند. در سال ۱۹۷۵ بوش

به ریاست "سیا" منصوب شد. تا از کشتار

جمعی در تیمور شرقی بشتیا نیکنند. وی

سپس جنگ علیه کلمبیا و دیگر خدمتگزاران

به فقرا در آمریکا مرکزی را آغاز کرد و

این جنگ اکنون با شکنجه و نقی عضو

همراه است که دیگر قابل معالجه نیست.

نظم نویسن جهانی یعنی زمینه سازی برای

ماندن عراق در کوبیت و عدم توجه به

پیشنهادها ی آن کشور برای خروج ز کوبیت

و استفا ده ز خشونت و زور در مقابل یک

دشمن بسیار ضعیفتر. بوش در ماه ژوئیه

اظهار داشت: به عراق به خاطر حل مناقشه

مرزی با کوبیت از طریق زور بیا تهدید

کردن همسایگانش برای ا لایردن قیمت

نفت اعتراض ندارد. صدام بدون توجه به

اظهارها، کوبیت را تصرف کرد. صدام

ملی گرای مستقلی است که کانهال غیر قابل

کنترل است. با بدتحت سیاستهای

استاندارد آمریکا و انگلیس در آید...

امریکا قبل از بحران خلیج فارس مسئله

حل بحران اعراب و اسرائیل را طرح ریزی

کرده بود. خط نظم نویسن جهانسی به خدمت

درآمدن تمام می جهان برای ترمیم اقتصاد

در حال زوال آمریکا و انگلیس است

اروپا و آلمان و ژاپن وظیفه تغذیه

اقتصاد دی اروپای شرقی و آمریکا لاتین را به عهده خواهند داد. هم از کانهال فشارها یا اقتصاد دی در صورت لزوم با توسل به زور کنترل خواهد شد.

بقیه یا دهدها بمان را اگر می‌باید ریم می‌گفتیم این جنگ می‌باید بر سره با رهبری ما م، بسیج توده‌ها می‌توانست و اقتضا دود کفا متکی باشد. و هر ا قدامی که یکی از این سه با به را ضعیف کند خیانت به آرمانها یا انقلاب است. تکیه به سلاحها می‌بشرفته و اصلت پیدا کردن آنها که موجب کاهش تکیه بر بسیج توده‌ها می‌شد تکیه به در آمدن تکیه که موجب متکی شدن اقتصاد کشور به رزخا رچیو کا لاههای وارداتی می‌شد (و خروج کردن از امام برای توجیه کارهای نا درست خود، به قرا موشی سپردن پیامها یا ما مو... (که موجب تضعیف نقش امام در پیشبرد امر جنگ و انقلاب می‌شد) حرکتی در جهت تضعیف پایه‌های جنگ می‌باشد

این جنگ می‌باید در جارجوب خط مشی در از آمدن انقلاب جهانی سلام یعنی مبارزه با صهیونیسم و آزادی قدس اشغالی قرا ر بگیرد.

در طول مدتیکه اعضای این جمع امکان حضور در جبهه‌های جنگ را پیدا کردند، تلاش نمودند که از رشهای نهفته در دل این جنگ فدا میریالیستی وضد کمپ دیوبندی را تدوین نموده و از آن ره توشه‌ها بی‌برای ادا مه جنگ و انقلاب بگیرند. و این کوشش به دستاوردهای آنجا میدکده برخی از آنها به صورت مقالاتی در نشریه راه ما هجدهم و کتاب سه تکیه برتا

قدس و دانشگاه اسلامی جنگ به جا بر سیده و برخی نیز تا آنجا که امکان داشت به گوش مسئولین رسید.

در طول مدتیکه اعضای این جمع امکان حضور در جبهه‌های جنگ را پیدا کردند، در این جهت تلاش نمودند که گروه‌های ریشه‌دار دیگری را که روحیه و توان انقلابی داشتند ما به دلائل بینشی و با برخورد های غلطی که با آنها شده بود از این حرکت اصیل به دور ما نده بودند، به حالت این حرکت واقف سازند. چه بسا با وارد کردن آنها در این خط مشی صحیح، ضعفها و نارساییهای آنها را بزداسند، و تا حدی نیز در این راه موفق شدند. وجود افرادی که سابقه فعالیت در سایر گروه‌های سیاسی راداشته اند در زمره شهدای این جمع خود دلیلی برای این مدعا ست.

متاسفانه پس از گذشت یک یا دو سال از جنگ اعضای این جمع از جبهه‌های غرب و جنوب بیرون رانده شدند و امکان شرکت در دفاع مقدس از آنها سلب شد. برادران بین دو امر مخیر شدند. بسا بدون اعلام موضع سیاسی در جبهه شرکت کنند و یا اینکه زقبض جبهه رفتن محروم شده و مساعی خود در پیشبرد امر جنگ را به شکل دیگری دنبال کنند و برادران شوق دوم را برگزیدند. چرا که شسه دروغ گفتن و تقیه کردن با برادران دستا ندرکار

یک اقدام جدید در جهت گسترش نهضت اسلامی

دیدگاههای اسلامی دکتر شریعتی تاشر بسزایی در اعتقالات افکار مسلمانان ایران و منطقه داشته است. دردمندی و دلوسوزی دکتر که در آشار و مشهود است در هر خواننده‌ای شور و حرکت می‌آفریند.

موسسه انتشارات صف اخیرا ترجمه دو جلد از کتابهای سرخوم شریعتی را به زبان عربی منتشر کرده است. با خرید و ارسال این کتابها برای افراد و موسسات فرهنگی در کشورهای عربی می‌توانید در این اقدام خیر شرکت نمائید.



۲- "الانسان، الاسلام و مدارس الغرب" مولف: دکتر علی شریعتی - مترجم: دکتر عباس ترجمان، با مقدمه‌ای از دکتر غلامعباس توسلی درباره زندگی و شخصیت دکتر شریعتی - تیراژ: ۳۰۰۰

الانسان والاسلام و مدارس الغرب



۱- "الاسلام والتاریخ" مولف: دکتر علی شریعتی - مترجم: خلیل علی تیراژ: ۳۰۰۰
موسسه انتشارات صف - صندوق پستی ۱۸۶۱-۱۷۶۷۶۵

جنگ را قبول داشتند و نه این مسئله را صحیح می‌دانستند که ذهن برادران مسئول در امر جنگ به مسئله وجود افراد عموما در جبهه‌های جنگ مشغول شده اند کسی از بردا ختن به عمل صالح جنگ با زما نند. اما حضور در جبهه‌های جنگ را همواره حق مکتبی شرعی عرفی و قانونی خود می‌دانستند و تلاشها بی‌درجهت احقاق این حق خود به عمل می‌آوردند. برادران معتقد بودند که محروم نمودن ما از شرکت در عمل صالح دفاع مقدس شیوه‌ای غیر اسلامی است که مقدمه برخورد غلط بسا دیگر اقشار رزمنده و مبارزان است و باعث کاهش بسیج مردم به سوی جبهه‌های جنگ خواهد شد و در نهایت با کاهش تعداد نیروها یرزمنده موا جه خوا هم‌گردد. کما اینکه متاسفانه همینطور هم‌شد و یکی از علل اصلی پذیرش زهرنا مه ۵۹۸ کاهن شدید نیروهای مردمی دا و طلب در جبهه بود. و آنانی که علمبرغم فتوای امام در باره وجوب شرکت در دفاع مقدس و توجیه مسئولین اصلی جنگ یعنی حجت الاسلام هاشمی و خامنای مبنی بر بیلا شکال بودن حضور برادران در جبهه‌ها مانع از شرکت برادران در جنگ می‌شدند در برابر خدا وند مسئول می‌باشند.

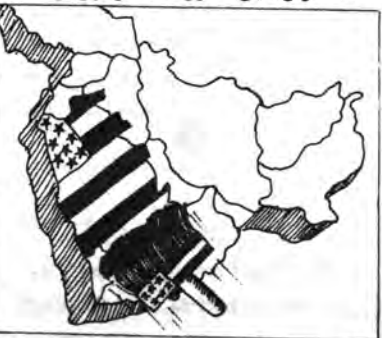
والسلام

بودند به طور وضوح تفسیر کرده است. حتی گفت: نمی‌تواند بطور وضوح رتتا بحفر خود به منطقه صحبت کند زیرا یکی از ریهایی که در این سوی جهان می‌توان گرفت این است که احتیاط بسیار مهم است... وی تا کید کرد که بسا ریز جزئیات ترتیبات امنیتی منطقه هنوز با بدخل و فصل شود. ۵ هزار سرباز از آمریکا بی‌تابا زسازی نیروهای مسلح کویت در این کشور باقی خواهند ماند. انتظار می‌رود سیستم جدید امنیتی منطقه طرف چند ماه تکمیل شود.

رسالت ۷/۲/۷۰
دیدار دکتر ولایتی - قهد در این دیدار قهدا ز ایده کمسیون مشترک اقتصاد بین دو کشور استقبال کرد و گفت: تقا هم‌جهت بی‌ترسبان دو کشور دارای زتاب گسترده‌ای نزد ملت‌های مسلمان خواهد شد.

دکتر ولایتی قبل از سفر به عربستان در باره سخبه سئوال ترتیبات امنیتی منطقه ۲۶ و ۱۶ گفت: ۲۶ ترتیبات امنیتی نظا می‌سازد کشورها و شورای همکار ی مصر و سوریه (و اعمیما ن اقتصاد ی، سیاسی است) کشورها و شورای همکار ی (ایران)

حضور نظا می‌ریکا در منطقه با رهبران این کشورها به توافق‌های وسیعی دست یافته، این اقدامات که بعضی از آنها محرمانه است برای کاهش آسیب پذیری این کشورها در مقابل تهدیدات نظامی است و اینکه در زمان بحران به نیروی هوایی، دریایی و زمینی آمریکا اجازه دهد که تا نتر به کمک این کشورها بشتابند... تا بل مهم روز افزونی ز سوی سیاسی ز دولت‌های منطقه برای همکار ی با آمریکا در مورد مسائل امنیتی وجود دارد... آموزش نیروهای مسلح خلیج فارس، تمرینات مشترک نظامی آمریکا و عراق در منطقه و جمع ابزار آلات و تدارکات نظامی آمریکا در یک پایتختی کشور منطقه از جمله موارد امنیتی است... نگرش این کشورها که در دوران قبل



از جنگ نسبت به حضور ما در منطقه بی‌میل

سلام ۱۹/۲/۷۰
سخنرانی آق‌بهبزاد نبوی در مشهد
من به موضع گیری‌های بی‌که در زمستان جنگ آمریکا با عراق اتخاذ شد، انتقاد داشتم و هم به موضع گیری‌های فعلی انتقاد و اعتراض دارم. آمریکا فسد بود و عراق فاسد. ما باید دفاع فسد با فاسد می‌کردیم ما نباید خوشحال بشویم از اینکه گردن کلفت پیروز شده، خوب حالا آمریکا به جای صدام با ما همسایه شده... من معتقدم آینده، آینده خوبی نیست ما حرکت‌های بی‌کنیم که در راستای تثبیت برنامهای انگلیس و آمریکا در منطقه است. منطقه‌ای امن در شمال عراق درست می‌کنند، ما ساکت می‌مانیم. مثلا یک رژیم انقلابی هستیم. تا زه کم کم در اندر حرف‌های می‌زنند که اولی، ایمنجی شریعتی، مطلع جهان چرا نمی‌آیی در جنوب عراق منطقه امن ایجاد کنی.

جمهوری ۲۱/۲/۷۰
توافقی با آمریکا با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس
دیدک جنوز بر دفاع آمریکا که اخیرا از کشورهای منطقه دیدار داشته، گفته است: جهت تقویت نیروهای دفاعی کشورهای خلیج فارس و گسترش دانشی

دکتر پیام نبوت‌ها را خوب می‌فهمید



نظریه دکتر شریعتی

نه محور و نه نیت بود و نه تحدید
روحا نیت بلکه معتقد به ایجاد
اصلاحات در شیوه‌های درسی و عملی
حوزه‌ها بود.

آیت الله خامنه‌ای

از دیدگاه

دکتر شریعتی



متن زیر مباحثه‌ای است از آیت‌الله
خامنه‌ای در رابطه با مرحوم دکتر علی
شریعتی که پس از پیروزی انقلاب انجام
شده است.

این مباحثه‌های مطالب مهم و
استراتژیکی در رابطه با روحانیت
می‌باشد. به لحاظ ضرورت کار روی فقه
سیاسی، اجتماعی و اهمیت نقش دکتر در
این رابطه، مشروح این مباحثه را از
شواربیا ده کرده و ذیلاً می‌آوریم. امید
است آن دسته از فقها و سیاستمداران
که شعار "اطاعت محضی محض از رهبر" را
می‌دهند، اگر در این زمینه اطاعتی از
رهبر ندارند، لاجرم بنده دیدگاه‌های
آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به دکتر
شریعتی احترام بگذارند و نام بردن از
او را جرم ندانند و به صرف بخش‌نویسی
از دکتر در سرجا که ماه مبارک رمضان
مسئولین صدا و سیما را روی منبر
محکوم ننمایند.

● هویت اسلامی دکتر شریعتی و ضرورت مکتب وفقه اجتماعی

آیت‌الله خامنه‌ای: مرحوم دکتر یک
روشنفکر مسلمان به معنای درست و کامل
کلمه بود. کسی بود که معتقد به اسلام
مکتبی، یعنی اسلام به معنای یک
ایدئولوژی، یک نظام، به معنای یک
دکترین سیاسی و اجتماعی بود. در کنار
این همه معتقد به عرفان اسلام و معنویت
اسلام بود، یعنی همان درک ظریف و
لطیف که هر مسلمان واقعی از اسلام باید
داشته باشد.

می‌دانیم که تلقی از اسلام دو نوع است
یک تلقی عامیانه و معمولی؛ از
سالیان دور گذشته بین تلقی وجود

داشت که اسلام عبارت است از یک اعتقاد
قلبی و حداکثر یک سری اعمال شخصی،
فردی یا دسته‌جمعی.

بنا بر تلقی دوم؛ اسلام یک جهان
بینی، یک ایدئولوژی، یک مکتب و در حال
یک نظام همه‌جانبه اجتماعی است. این
تلقی‌ای بود که دکتر به آن شدیداً
معتقد و دل‌بسته بود. و بیشترین کاری که
دکتر می‌کرد این بود که بتواند این تلقی
درست از اسلام را بین مردم منتشر کند.
اگر بخوانیم مورد افکار دکتر بطور
اجمال حرف بزنیم باید بگوییم و کسی بود
معتقد به اسلام مکتبی و کوشش او این بود
که این تلقی را در افکار مردم رسوخ
دهد.

س - ترویج دادن دکتر در جامعه
تا ثیری داشت و نتوانست چه خدمتی
برای جامعه اسلامی باشد؟

آیت‌الله خامنه‌ای: به نظر من
مهمترین خدمتی که مرحوم دکتر شریعتی
کرده گسترش دادن همین طرز فکر است.
نمی‌گویم این طرز فکر در ایران با دکتر
شریعتی آغاز شد، در ایران هم در گذشته
- های دور، از زمان مرحوم سید جمال و
هم در گذشته‌های اندکی قبل از دکتر به
وسیله متفکرین و بزرگان که بعضی‌ها
یشان هستند و بعضی‌ها شهید شده‌اند و زندگی
رفته‌اند، ترویج می‌شد. خدمت بزرگ دکتر
این بود که توانست این تلقی از اسلام
را در سطح وسیعی گسترش دهد. بخصوص در
میان نوده‌های متوسط، جوانان الهیه
به این تفکر گرایش و اقبال نشان
می‌دادند، اما هرگز پیش از دکتر به این
حجم و به این وسعت نبود. غیر از جوانان
تحصیل‌کرده و دانشجویان، کمتری کسی به
این نگرش از اسلام آشنا بود.

شریعتی در سایه نوشته‌ها و گفت‌وگوهای
بهر حجم و وقت فرسای خودش در طول عمر
کوتاه خودش توانست این طرز تفکر را تا
اعماق جامعه گسترش دهد.

● تحلیل دکتر شریعتی از روحا نیت

س - نظر مرحوم دکتر شریعتی بطور
کل در مورد روحا نیت چه بود؟
آیت‌الله خامنه‌ای: این را باید دو
بخش کنیم، دکتر شریعتی عمیقاً معتقد به
روحا نیت بود. اولاً به اصل ضرورت
روحا نیت، ثانیاً به روحا نیت موجود. که
این نهادی است یا باید باشد، این نهاد،
نهاده‌ای است خالص، نهاده‌ای آشتی‌ناپذیر
با دستگاه‌های ظلم، نهاده‌ای است
به این چیزها عمیقاً معتقد بود.

من از مرحوم دکتر در مورد این طرز
فکرش خاطره‌ها دارم، یکی را نقل می‌کنم،
یادم می‌آید در سال ۴۷ دقیقاً در سال آخر
عمر آل احمد، جلال آل احمد به مشهد آمد.
در جلسه‌ای که چند ساعت داشتیم من بودم،
مرحوم دکتر بود و جلسه در منزل مرحوم
دکتر بود. آل احمد بود، آقای شریعتی
دکتر بودند و بسیاری از برادران مشهدی
در آن جلسه شرکت داشتند. صحبت از
روحا نیت بود. طبق معمول که بعدها از
دکتر زیاد دیده می‌شد ایشان بالحنه‌ای
نشدار می‌کرد یکی دو مورد از روحا نیت
حرف زد. آل احمد به مرحوم دکتر شریعتی
گفت: بهترین شما به جای اینکه از
روحا نیت انتقاد کنید از روشنفکران
خودمان انتقاد کنید. دکتر جوابی داد
که حاکی از اعتقاد او به روحا نیت بود.
دکتر گفت: من به روشنفکر جماعت اعتقادی
ندارم، پس انتظار دارم تا زمین‌های
برای انتقاد باشد. اما از حوزه علمیه،

آیت‌الله خامنه‌ای

تعبیر روحا نیت هم نمی‌گفت، اما از
حوزه علمیه انتظار دارم. زیرا به او
اعتقاد دارم. پس طبیعی است که نقاط
ضعفی که به نظر من می‌رسد بیان کنم. این
نظر دکتر شریعتی است.

اما بخش دوم: چرا نظر در مورد
روحا نیت موجود از قدیم تا همین سال‌های
که دکتر در میدان بود و حرف می‌زد، وجود
داشته.

یک نظریه این بود که: روحا نیت گسلاً
باید از بین برود. این نظریه بود که
دستگاه‌های استبداد استعمار از دید
زمان داشتند و روحانان عامل انجام این
نظریه بود که روحا نیت را بطور کلی ریشه
کن کند.

یک نظریه این بود که: روحا نیت را
با همین شکل و با همین قواره و قالب
بدون کمترین تغییری حفظ کنیم و
نگهداریم و به آن دست نزنیم و بگوییم
بخیر روحا نیت به همین شکل که هست
خوب است هیچ پیشرفتی و تکاملی نمی‌کند
این دو نظریه طبعاً مردود است.

نظریه سوم: بعضی از روشنفکران
مذهبی یا احیاناً بعضی روشنفکران
روحانی و شبه‌روحانی این را مطرح
می‌کردند. که این روحا نیت را جمع کنیم
و یک روحا نیت جدیدی با شکل تازه‌ای
ساخته‌ای کنیم. این نظریه‌ای بود
که در زمان پهلوی تعقیب می‌شد. همان
دانشکده معقول و منقول را اساساً در
زمانی که تبدیل به دانشکده الهیات
می‌شد این فکر بوجود آوردند که بعد
بنوا ندجا یک‌گزین حوزه علمیه و روحانیت
شود. این سه نظریه را یک وقتی من به
دکتر گفته بودم. یک جایی صحبت کرد،
و این سه نظریه را گفته بودم.

وقتی نظریه سوم را مطرح کردم که روحانیت را جمع کنیم و یک چیز جدیدی جایش بگذاردیم، دکتر با سراسیمگی گفت اتفاقاً این از همه اش خطرناکتر است. پیدا بود که این نظریه را همه هیچ وجه قبول ندارند.

نظریه چهارمی وجود داشت و آن این بود که روحانیت همین نهاد موجودیاتی باشد و این نهادی است عمیق، ریشه دار، در بافت اصلی جامعه داخل، به خورد ذهنیت جامعه فرو رفته و پذیرفته شده، در عمل هم مقاموم و مبارز، همواره امتحانهای خوب داده، منتهی عیبی ندارد چه در شیوه های درسی و چه در شیوه های عملی با بستی تغییراتی و اصلاحاتی پیدا میکنند، این نظریه چهارم دقیقاً نظر دکتر شریعتی بود و این نظری بود که روشن فکران روحانی هم همواره آن را تعقیب می کردند و چیزی است که به روایت و حکایت نمی آید. بحثی است که چندین بار در بین من و دکتر گذشته و من دقیقاً می دیدم که دکتر معتقد به این فکراست. آنکه تلقی شده در بین بعضی ها که خیال می کنند دکتر یک عنصر ضد روحانی است یقیناً و تحقیقاً خلاف و اشتباه است البته ایشان لحن نیشداری داشتند همان چیزی را که در مقام صلاح روحانیت پیشنهاد می کرد حیثاً همراه بود بسیار تعبیرات نیشداری که عده ای را جرحه دار می کرد یا از خود روحانیون یا از طرفداران آنها. البته مستمکی هم دست دشمنان می داد که تبلیغات کنند، ولی نظریه دکتر شریعتی نه محور روحانیت بود و نه تحدید روحانیت. بلکه همین نظریه چهارم بود که گفتم.

● دکتر شریعتی و ما رگسیسم

نظریه اش در باره ما رگسیسم: ما رگسیستها در کتابهاش به روشنی واضح و معلوم است ما رگسیسم را شدیداً رد می کرد. ما رگسیستها را زشت می دانست. البته در آن سالها (۵۰ و ۴۹) البته هیچ یک از ما با ما رگسیستها سینه به سینه نمی شدیم. یعنی مبارزه نمی کردیم. و این به خاطر آن بود که نمی خواستیم رژیم چهار پهلوی سواستفاده کند. دکتر هم مثل ما بود که روبرو نمی شد، اما او در بیاناتش بیش از گویندگان مذهبی آن روزها با رگسیستها و ما رگسیستها افتاده است. با اینکه خود او به ضرورت حفظ مبارزه با رژیم پهلوی خوب واقف بود اما در عین حال چون قویاً ضد ما رگسیسم و ضد ما رگسیست بود، در حرفهای فراوانش ظاهر می شد. بدنیمت بدانید که اولیسن کتابی که در رد دکتر شریعتی نوشته شده کتابی بود که به وسیله یک ما رگسیست

مشهدی نوشته شد که در آن به مواضع ضد ما رگسیستی و به گمان او به قول اوضاع علمی کتاب با سلام شناسی اعتراض کرده بود.

نمونه خیلی با رزش حرمان علی الهی در تاریخ خودمان، امیرالمؤمنین خودش را بنده خدا می داند، آنها علی را خدا می دانند.

دکتر پیا منبوت را خوب می فهمید و آن روح عرفانی ورگه معنویتی که در او بود و دقیقاً این مسائل را درک می کرد.

آیت الله خا منهای

● افراط و تفریط در برخورد

با شخصیت دکتر شریعتی

به نظر من دو جریان افراط و تفریط در مورد شخصیت دکتر شریعتی هم در زمان حیاتش هم بعد از فوتش وجود داشته البته بعد از زشت شدنش کمتر در زمان حیاتش بیشتر. و الان هم وجود دارد.

یک عده دکتر را آنچنان می دانستند که حرفهایش وحی منزل است! اتفاقاً مرحوم دکتر یک وقتی می گفت: "گامی سرکلاس (آن وقت در دانشکده ادبیات مشهد درس می گفت) یک چیزی را به عنوان احتمال فرض می گویم، آن وقت می بینم شاگردان من آن را به صورت مسلم و مسلج ذکر می کنند." یعنی حاضر نیستند شایدهی را که خود دکتر در قضیه وارد می کردند، وارد نکنند.

یک عده هم البته متقابلاً مخالفتهای خیلی تنیدی با دکتر کردند که غلط بود. اگر از روز اول شخصیت دکتر همانطور که بود شناخته می شد و کوشش می شد که از فکر او، تلاش او، از ذوق و استعداد او و از جنبه های انبوهی که در او وجود داشت استفاده بشود یقیناً آن حالت عکس العملی هم در خود او وجود نمی آمد و این اختلاف و درگیری را به این درجه با لایحه رساند البته الان هم عده ای هستند که دوست می دارند به همان شکل افراطی و تفریطی در مورد شخصیت او رفتار کنند و این کوششی برای گم کردن این عزیز و فقید است. منتهی خوشبختانه امروز کسانی زیاد می هستند که دکتر شریعتی را همچنان که هست با همه منافعی که وجود داشت و با همه لغزشها و اشتباهاتی که یک انسان با لایحه از آنها عاری نیست، می شناسند. این جای امیدواری است که آن دو جریان افراط و تفریط به تدریج کم رنگ شود و تمام شود.

سواستفاده از جبهه های معروف و محبوب تا زگی ندارند. همیشه گروههای فرصت طلبی وجود داشتند که یک چهره محبوب و برجسته، مخصوصاً بعد از فقدان او را به خودشان نسبت می دادند، و سال خودشان می دانستند. همچنین بودند گروههایی که از حرفها و نظرات یک شخصیت بزرگ تلقیها و برداشتهای غلط و بدی داشتند و بر مبنای آن یک جریان بوجود می آوردند. در حالی که اگر خود او بودند مطمئناً با آن جریان مخالفت می کرد

الان هم در زمان ما هم چنین مسئله ای در مورد مرحوم دکتر هست. خیلی از گروهها سعی می کنند با انتساب خودشان به دکتر و رساندن سلسله نسب خود به دکتر شریعتی یک محبوبیتی برای خودشان جلب کنند و طرفدارانی پیدا کنند و در حقیقت محبوبیت و وجهه و شخصیت ایشان را برای مقاصد خود بیک بکشند.

حالا من به گروه خاصی اشاره نمی کنم که چه گروهی سواستفاده کرد. با چه گروهی می توانند طرفدار باشند. لکن من می خواهم بگویم کتابهای دکتر شریعتی در دسترس است. این کتابها تحریف نشده است. کلمات خود او است. امروز کسانی هستند که بتوانند در فضای آزادی بنشینند و این کتابها را بگذارند جلویشان و از آنها حقایق درست و راستین را بفهمند. من خیال می کنم که دکتر شریعتی اگر امروز حیات می داشت با قاطعیت می توانم بگویم در خطی حرکت می کرد، هم زلحاظ سیاسی و هم زلحاظ فکری که عوام مردم، همه کسانی که خودشان را در خط امام می دانند حرکت می کنند، او در آن روزگار افتخار می کرد که مقلدا ما مخمینی است و این را شما مقابله کنید با رفتار کسانی که ادعا می کنند طرفدار دکترند و پیرو دکترند و اما مخمینی را به عنوان یک مقتدی نه فقط به آن افتخار نمی کنند بلکه شایده قبول ندارند. شایده بعضی آنقدر کوچک پیرت هستند از مرحله، که بذکرین و عداوت اما ما را هم در دلشان می کارند که نمونه اش را مردم ایران همین او آخر مشاهده کرده اند و دیده اند. بنا بر این به گروهها چه کسی وابسته هست و چه کسی وابسته نیست. چه کسی متامل است و چه کسی نیست. بنیاد توجه کرد.

● مبارزه انبیاء با

زور و تزویر

س- از قول مرحوم دکتر نقیسل کرده اند که ایشان نظرشان این بود که انبیاء مبارزه شان با کفر نبوده بلکه مبارزه شان با زور و تزویر بود. فکر می کنید نظر دکتر چه بوده است؟

ج- کفر یعنی انکار ربانیت است. حقیقت، یعنی خدای واحد، با همه یسار

معنی و مضمونی که این تعبیر دارد. اعتقاد به خدای واحد با رومعنای بسیار وسیع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و معنوی و روحانی و عرفانی دارد. کفر یعنی انکار این حقیقت. منتهی در طول تاریخ کفر همواره در مالیه های زور و تزویر ظاهر شده و البته همیشه به دنبال ماحیان زور و تزویر بوده. ساده دلها و بی خبرها بی هم بوده اند که نه صاحب زور بودند و نه صاحب زور بودند. اما دنیا لسه رو بودند و انبیاء با همه اینها مبارزه می کردند. یعنی کفر در دنیا همین جور است امروز کفر در دنیا هم در جناح معتقدین به تفکرها و مبکاتب الحادی مثل ما رگسیسم وجود دارد. و هم در کسانی که معتقد به مالت پول و سرمایه و مادی هستند و هم آنطور که من تعبیر کردم. کفر ما رگسیستی و کفر آمریکا، زور و تزویر است. یعنی آن جناحی که دارای سرمایه و مادی است. همان صاحب زور است. کفری است که در پوشش زر است. آن جناحی که تفکر ما رگسیستی دارد صاحب تزویر است. کفری است که در پوشش تزویر خودش را دارد. نشان می دهد و هیچ تزویری بالاتر از مالت از خلقها و طرفداران از محرومین نیست. در حالی که هیچگونه مالت واقعی از محرومین وجود ندارد. نمونه اش حکومت شوروی است. استالینستی است که یکی از نقاط تاریک و سیاه تاریخ بشریت است. و همچنین نمونه های دیگری که در دنیا وجود داشته است. زوری است که در هر دو جناح وجود دارد. شما امروز در کفری که بر دنیا حاکم است یعنی کفر آمریکا، کفر روسی، هم می توانید زور را پیدا کنید، هم تزویر را. اسلام و نبوتها و پیام توحید همواره هر دو نوع کفر یعنی زور و تزویر مخالف است.

پس آن کسی که خیال می کند دکتر چون اسم زور و تزویر را آورده است فکر می کرده انبیاء بیگنا را کفر را ندانند. معنای کفر را نمی دانند. کفر یعنی انکار خدای واحد.

با همه مفاهمی که در این کلمه وجود دارد و انکار خدای واحد در زبان و عقیده و در عمل زور و تزویر است.

یک عده ای هم بنچا ره ها نه صاحب زورند و نه صاحب تزویرند. ما دنیا لسه رو همین جریانند. دنبال کفر الحادی و کفر مادی و پولی اینطور تعبیر کنیم. نخبه دگر پیا منبوتها را خوب می فهمید و آن روح عرفان ورگه معنویتی که در او بود دقیقاً درک می کرد و این نشان می دهد که او به رگه معنوی و روحانی در دین هم کاملاً معتقد بود.



پاسخ به خوانندگان

س - شما با جدیت مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را دنبال می‌کنید، برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم. جناب مهندس، با دیدگی‌ها و سخنرانی‌ها و پشت پرده و تحلیل و بررسی‌ها بدکده شما این مسئولیت را به دوش گرفته‌اید... به هر حال گفتنی زیاده است در آشنایم. می‌خواهم هدف و راه‌نشریه را برای آینده تشریح‌نمایم. چرا در این زمیحه شما سگزاریم. هدف ما تداوم انقلاب و تحقق شیوه‌های مکتبی در همه زمینه‌هاست که سعادت و نجات ملت ما و ایران‌سایه را در این می‌بینیم. (در شماره‌های ۱ تا ۳ بطور تفصیل اهداف نشریه آمده است تحت عنوان آشنای نامه راه‌مجا دور راه‌مجا هکدام است.) اما در رابطه با نشریه شما لطف دارید و اگر نه مسائل روی پرده و آشکارا هم کار ملاحظه نمی‌شود تا چه رسد به مسائل پشت پرده و اصولاً این روزها تحولات پرشتا بند و بی‌پلما سی‌ها آشکار. امیدواریم با یاری‌فکر و قلم شما این مسئولیت بهتر انجام پذیرد.

س - در یکی از شماره‌های مجله در پاسخ به نامه‌یک خواننده گفته بودید: "ما هم در مواردی محافظه‌کار و مصلحت‌اندیشی می‌کنیم، اگر ممکن است در این مورد توضیح بیشتری دهید. یعنی مواردی که شما در آن‌ها مجبور به محافظه‌کاری می‌شوید را بیان کنید.

ج - مصلحت‌اندیشی گاهی اقتصادی‌ست که مسائل نا دیده گرفته شده و به سکووت برنگزار گردد. اگر بنا باشد که این مسائل تشریح و ترمیم شود، صورت دیگری پیدا می‌کند. مثلاً ما نمی‌توانیم در مسوورد مسائل زندانها، روابط خارجی، مانند قضیه مک‌فارلین، قضیه پذیرش قطعنامه و استعفا آیت‌الله منتظری و غیره بنا به مصالح سکوت اختیار کرده بودند و تا این زمان هم تحلیل و گزارش‌ها که این جریان‌ها را روشن کند ارائه ندادند. علیرغم اینکه مردم در چنین مسائلی و امثال آن‌ها موشگوار دارند، ولی مطبوعات پاسخی به این سئوالات مردم نمی‌دهند. مطبوعات باید قوی‌تر و تحلیل‌آنها را برای مردم منعکس کنند. ما نیز در اینجا موظف به قصورداشته ایم.

غیرقانونی عمل می‌کردند. مثلاً دهکده‌های توزیع‌کننده را تهدید می‌نمودند و حتی مورد حمله قرار می‌دادند، با نشریات را با ره می‌کردند، جوسازی می‌کردند یا مسئول نشریه را مورد تهدید و فشار قرار می‌دادند و حتی زداشت می‌نمودند، که البته اخیراً خیلی کمتر شده است. گفته‌اند که وجود چنین جریان‌ها سرکوبگری در جامعه، بطور پنهان و غیر مستقیم جوسانورا ایجاد می‌کند. یعنی کسی که می‌خواهد حق باقی را بنویسد، بسا دشوار عمل این گروه‌ها و فشار افتاد و خودش مطلب را در می‌گیرد (خودسانوری) مطلب دوم تعجب شما از چاپ و نشر مطالب نشریه است، تا جایی که احتمال داده‌اید این هم یک ترفند سیاسی از طرف خودنظام باشد.

با عرض معذرت با یعرض کنم در این مورد هم قدری ذهنیت دارید، اولاً مطالب نشریه اگر انتقادها یا این انتقادات به منظور حفظ و تداوم انقلاب است و در مجموع در جهت خیر و صلاح و سعادت مسئولین امر هم هست، گرچه به مذاق آن‌ها خوش نیاید. مدت‌هاست که روشن شده است ما قصدنا بودی کسی‌ها یا نشینی قدرت و از این قبیل مسائل را نداریم.

ثانیاً: در داخل همین نظام که به نظر شما که کوچکترین صدا را خفه می‌کند، اکنون شاه‌هدیم‌کسان هستند که انتقادات اساسی به عملکرد نظام مطرح می‌کنند. مثلاً جریان اکثریت مجلس شورای اسلامی و گروه‌های سیاسی مخالفه انقلابی‌ترند و به سیاست‌های موجود انتقاد جدی‌تری دارند. امروزه اپوزیسیون جدی‌تری برانداخته‌اند، با جریان سیاسی مخالف، بیرون از نظام نیست. بلکه درون نظام است. رزمندگان، عناصر دلسوز حزب‌اللهی و مسئولینی که استحاله نشده‌اند و به ارزشهای انقلاب وفادارند،

کمتر از زمان شما نگران اوضاع نیستند. در قضیه حملات علیه آقای مخملباف هم منظور که به حق خودشان تذکر داده بودند، هدف اصلی زنده‌جا این آقایان به روشنفکرانی مثل آقای مخملباف در واقع حمله به وزیر ارشاد و توطئه برای برکناری وی و عناصر آزاداندیش داخل ارشاد بود. چنانچه بسیاری مراکز قدرت را اکنون در دست گرفته‌اند تلاش می‌کنند تا سایر مراکز را به چنگ آورند و نگاه شیوه‌های غیراصولی و زورمدارانه را در همه جا اعمال کنند.

شما اشتباهتان در این است که نظام را یک مجموعه یکدست و یکپارچه‌ای تصور کرده‌اید و در یک طرف قرار می‌دهید و در طرف مقابل گروه‌های سیاسی و مخالفین و مردم را. این شیوه تحلیل ما را دچار سردرگمی‌های بزرگی می‌کند. مثلاً برخی گروه‌های سیاسی مخالف از نزدیکی با غرب و آمریکا کاملاً راضی هستند و انتقادشان به کم‌وکیف و

حتی‌دیوانه‌ها شدن این سازشکاران است. یا چنانچه یکی از روزنامه‌ها می‌نویسد: «عصرتهران را در دست‌ها در در عین دفاع از سیاست‌ها و جراحی و دفاع از سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاران را جراحی استقراری، انتقادها متوجه عناصری از نظام است که در مقابل روند غربی‌شدن و به دام آمریکا افتادن مقاومت می‌کنند. لذا با یستی چه در داخل نظام و چه در بیرون گروه‌های مخالفه مشی و تفکر و عملکرد هر فرد یا جریان را از رزبایی بی‌کردن را ملاک قضاوت قرار داد و نه مرزبندی‌های ظاهری مثل داخل نظام بودن یا نبودن. در گذشته هم وقتی آیت‌الله منتظری به شیوه‌های غیراسلامی رایج، انتقادها مطرح می‌کردند، عده‌ای به دلیل مسست قانم مقامی‌ها و رنمی‌کردند که ایشان بطور جدی و واقعی این مسائل مخالفان باشند و گمان می‌کردند صحنه‌ها زیبا شد. اما دیدیم که ایشان دلسوزانه ترویجی‌گیرتر و شجاعانه‌تر از برخی گروه‌های سیاسی با مسائل برخورد کردند و آنچه بی‌مهری‌ها که ندیدند.

پیرامون اسلام آمریکا

س - هنوز نتوانسته‌ام فرق اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکا را خوب متوجه بشوم. هر زمانه‌ای محبت می‌کنند این کلمات را مطرح می‌کنند. شده است سنگ محک، اما من نتوانستم مشی اسلام محمدی (ص) و آمریکا را بشناسم. شما بفرمایید جوهره اینها چیست؟ ضمناً مجله شما دیر بدستم می‌رسد. آیا چون من روستا می‌هم در توزیع مجله تا شیردارد، مثل کوبین شهری روستایی؟

ج - برای در عیز روستایی، علت دیر رسیدن را با پیدا زاده‌ها پست جویا شد. خوانندگان مجله را نظر ما فرقی نمی‌کنند اگر هم ولویت قائل شویم با یستی هموطنان زحمتکش روستایی‌مان را مقدم بدانیم. اما در مورد سئوالات شما قبلاً هم توضیحاتی عرض کردیم. این نیا شما را امروز اکثر مردم ایران دارند. چرا که هر روز شاهد تحولات جدیدی در بازار سیاست هستند که مسائل را پیچیده‌تر می‌کند. اگر روزی نجم حجتیه حاصل تفکر اسلام آمریکا بی‌جدا بی‌بینان و سیاست‌بودا امروز می‌بینیم مدافعان و هم‌سنگران آن‌ها شدیداً دم‌زولایت فقیه می‌زنند و در صف مقدم سیاست مشغول حذف مخالفین خود می‌شوند. آن روزها اما خمینی در سخنرانی ۲۷ تیرماه ۱۳۶۱، خود بدون تذکرنا عمل کرد آیت‌الله خوبی را مورد انتقاد قرار داد و تلویحاً جریان‌ها را اسلام‌افیت طلب

دا نستند، حالا توسط یادگار آن مرحوم آیت الله خوبی مورد تأیید و تکریم واقع می شود.

حالا مردم می بینند آیت الله منتظری که عمری در راه مبارزه با سلطنت و آمریکا و صهیونیسم سپری کرده و از سردمداران انقلاب بوده است، به عنوان جریبان منحرف از طرف برخی آقایان قلمداد می گردد. با این ضربه ها برادر، جا دارد شکر کنیم که فقط گنج هستیم و بی هوش نشده ایم. البته این گنجی هم یک سرگردانی مقدسی است که همه کم و بیش به آن مبتلا هستیم. برای مرزبندی سلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکا بی چند و روزش بکار می رود که آنها را ذکر می کنیم:

۱- محک قرار دادن مصادیق انحراف: عده ای جریبان ضریا که در درون انقلاب به گرایش یا وابستگی به آمریکا معروف شده اند به عنوان محک قرار می دهند و سپس تفکر آنها را که توجیه گر خط مشی و عملکردشان است به عنوان اسلام آمریکا بی قلمداد می کنند. مثلا انجمن حجتیه و تفکر جدا بی دین از سیاست را سمبل اسلام آمریکا می دانند. یا تفکرات نهضت آزادی و دولت موقت را، یا فقه و افکار آیت الله شریعتمداری را، یا خط ویرنا مددگتر بقا را، این روش گرچه نتیجه ملموس و مشخص بدست می دهد ولی نشان را دچار یک نوع ساده اندیشی هم می کند که اشکال پیچیده تر انحراف را نمی شناسد. مثلا کسی که شدیداً ضد نهضت آزادی است به عنوان ضد آمریکا تلقی می گردد در حالی که همان افکار روخط مشی را ممکن است در قالب جدیدی دنبال کند. اگر به همین روش بسند کنیم و ردی شناخت اسلام واقعی و جریبان حق از طریق خودش نیا شیم مشکلی ز ما آسان نمی گردد.

۲- محک قرار دادن آمریکا: برخی عملگر و خط مشی جا که ما آمریکا را محک قرار داده و جریبان ها هم راستا با آن را جزو اسلام آمریکا بی دانسته و تفکرات و جریبان ها ضد آن را اسلام واقعی می شمارند.

۳- روش سوم- شناخت جوهری و عمیق آمریکا: این روش می گوید ما ملاکهای اسلامی و فطری دریا فتنه ای که به نظام آمریکا باطل و ظالم است، حالا با بداین نظام در همه وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری، بشناسیم. جوهر و اساس این نظام هم بر استئمنار و جویا ول اکثریت توسط معدودی سرما به دار بنا شده است. حال هر برداشتی اسلامی که مویند و توجیه گر استئمنار و هم راستا با نظامات حاکم بر آمریکا باشد به همان میزان آمریکا بی و انحرافی است. مثلا جیبا ول نفت جهان سوم توسط کمپانی نفتی آمریکا جزو نظام اقتصادی آمریکا است. هر برداشتی اسلامی که مویند اما این روند و

این استئمنار رفتی باشد، آمریکا بی است. با عمیق تر را بطنه نفت و اسلحه است و هر تفکری که خاضع است نفت را به شمن بخش بفرود و اسلحه بخردا سلام آمریکا بی می شود. در این روش به عمق و جوهر باطل توجه شده است و یک ملاک حقیقی را بنسند محک قرار گرفته که عیار از قسط و عدل می باشد. لذا به شناخت واقعی تری می رسیم.

اما این راه قدری تلاش و زحمت لازم دارد. ضمناً لازم است این کاردا شتن یک انسجام و برداشت صحیح اسلامی است که با آن محک بتوانیم در باره نظام آمریکا به قضاوت و ارزیابی بپردازیم.

مثلاً در آمریکا دموکراسی ظاهری هست و مردم حق انتخاب دارند. آیا می شود گفت هر جا این سیستم باشد آمریکا بی است؟ و هر جا دیکتاتوری و ختنه ق آشار است، ضد آمریکا بی است؟

۴- روش نهایی - روشی فوق گرچه ذهن ما را با زوفا گیر می کند و لوسی ضعفها بی داده بر شمریم. روش صحیح آن است که ابتدا اسلام محمدی (ص) و واقعی را بشناسیم، از حق شروع کنیم، سپس باطل را که هر روز به شکلی و شما بیلی است ملاک حق خواهیم شناخت. برای شناخت اسلام بیستی به اساس و بیایه آن پرداخت اصلی ترین رکن اسلام خدا شناسی است. در همین جا دو جریبان مرزبندی می شوند:

۱- رسیدن به خدا با واسطه شیاء و مخلوقات و غیر خدا (محسوسات)

۲- رسیدن به خدا از طریق خودش.

هر دو خدا شناسی است، اما در روش اول جهان به دو قسمت محسوس و مادی و غیر محسوس و معنوی تقسیم شده است. در این تفکر آنچه مالت دارد و قائل تکلیف و یقینی است محسوسات و مادیات است (حداقل در بدو امر)

در روش دوم جهان چند قسمتی نیست. یک خالق است و مخلوقاتش ذات خداست و فعل او آنچه مالت دارد خود خداست. از همین جا دو جریبان فوق شکل می گیرد. همین اختلاف درسا بر موارداز تفسیر قرآن گرفته تا نظام سیاسی و اقتصادی و فلسفی وجود دارد و برداشتهای متمایز از هم را به می دهند و به خط مشی های سیاسی متفاوت می رسند. البته این که عرض می کنم بسیار مختصر و اجمالاً است. رسیدن به مرزبندی این دو تفکر زحمت بسیار دارد و یک کار اساسی است.

در شما راه های آینه در این باره به مرزبندی بیشتری خواهیم پرداخت.

در باره آیت الله منتظری

س- آیا درس آیت الله منتظری و رساله ایشان آزاد است؟ زکما می توان

تهیه کرد؟ یا شما می توانید برای من تهیه کنید؟ درس دفتر استفتاء و محصل در یافت و جوه شرعی ایشان کجا است؟

ج- درس ایشان هیچ وقت ممنوعیت نداشته و دامه دارد. رساله ایشان هم هیچ منع قانونی ندارد. آن را می توانید از کتابفروشیها مذهبی خریداری نمائید. متأسفانه ما نیروی راه چنین خدماتی را نداریم. درس ایشان قم- جنب پل حجتیه- دفتر آیت الله العظمی منتظری است که می توانید از طریق پستی یا مستقیم سئوال خود را با ایشان در میان بگذارید.

در باره آیت الله شریعتمداری

س- اگر امکان دارد در مورد ماجرای شریعتمداری مقاله ای در مجله چاپ کنید. چرا که بسیار زیاد قرادبا وجود گذشت سالها هنوز هم در این مورد شک و شبهه دارند از جمله خود من.

ج- در راه هجدهم ۷ مورخ خرداد اعدومقاله دربارهم: یکی به نام "نهضت مجاهدین و شریعتمداری که بررسی موضوع و افکار آیت الله شریعتمداری است. و دو می تحت عنوان "درسی از انقلاب چهارم". کتابی نیز به نام "قیام دوم تبریز" منتشر شده که عملکرد حزب خلق مسلمان و آیت الله شریعتمداری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین کتاب "شریعتمداری در دهه گاه تا ریخ" (نوشته حجت الاسلام والمسلمین حمید روحانی) که حاوی اسناد و مدارکی در باره ایشان است.

در باره آیت الله خوبی

س- به نظر شما دلیل تقیه آیت الله خوبی در مدت این ۱۲ ساله انقلاب چه بوده است؟ چرا ایشان در قبال هیچ موضوعی حساسیت نشان نداده اند؟ و چرا لا چرا درگیر و درگیر بهای عراق اعلام موضع کرده اند و حاضر به ضربه مصاحبه شده اند؟ برخی در رسانه ها ادعا می کنند صدام با دستگیری ایشان به مقام مرجعیت توهین کرده است. در سفاکی و درندگی صدام کتبه شکی نیست و لگی چرا حضرت آیت الله خوبی با غرور خواندن مردم با رژیم صدام همکاری کرده اند؟ یا این اعلام موضع هم بر اساس تقیه بوده است؟ یا اینکه برای افرا ز زمله که؟ یا چنین مصاحبه های توهین به مقام مرجعیت نبوده است؟ در نهایت ایشان را به شهادت می رسانند. ولی آیا به خاطر حفظ جان خدشه دار نمودن مقام مرجعیت صحیح است؟ اگر مرجع تقلید به این راحتی کوتاه بیاید تکلیف ما مقلدین چیست؟

ج- والله ما بی تقصیریم، این همه سئوال آن هم زجای سختش می پرسید، ما چطور جواب بدهیم؟ بهتر بود که این سئوال را از روزنا مه رسالت یا جامعه مدرسین قم می پرسیدید که در این زمینه ها هم اطلاع دارند و هم دعا.

همه می دانند که خط آیت الله خوبی با خط امام خمینی و تشکیلات حکومت اسلامی بطور اساسی تفاوت دارد. مثلاً در اوچ انقلاب غلبه سلطنت که شعار امام "شاه با یبیرود" بود مردم "مرگ بر شاه" می گفتند ایشان با فرح ملاقات کردند و گویا یک انگشتی هم به شاه هدیه کردند. که ما خمینی در سخنرانی اولی ما لگردد شهیدای هفت تبرای ققیه را یادآور شده و این مواضرا به عنوان اسلام ما فیت طلب معرفی نمودند.

آیت الله خوبی بعد هم هیچ حمایتی و تا شیدی از پیروزی انقلاب نکردند. در طول جنگ هم که ملت ما و عراق زیر فشار صدام و آمریکا بودند هیچ موضعی نگرفتند. و حتی بعد از فوت قرزندشان جواب تسلیمات ما خمینی را هم ندادند. به نظر ما بسیار از این مواضع از نظر فکری و شیوه تفکر ایشان نشات می گیرد. حداقل این است که برای بسیاری سکونت و احیاناً تا شید حکومتها بی ظلم یک توجیه فقهی و روای بی دارند. به همین دلیل اما خمینی این جریبان را به عنوان یک ایدئولوژی و فکری مطرح کردند. و از اسلام ما فیت طلب حاکم را این است که یک نوع برداشتی از اسلام وجود دارد که عاقبت طلبی، سازشکاری، رفا طلبی را توجیه و تا شید می کند. این او خرامام تعبیرات دیگری چون اسلام آمریکا بی، اسلام سرما به دار، اسلام مرفهین بی درو... را نیز اضافه نمودند.

وقتی ما حسین (ع) زیبت با یزید سر با زد و قبا م خود را آغا نکرد. فردی نزد آن حضرت آمد و گفت: مگر شما قرآن نخواهید؟ یا؟ ما (ع) فرمودند: چرا. گفت: مگر آیه "و اتلقوا با بیدیکم لسی التهلکه" (به دست خود خودتان را به هلاکت نیندازید) را ندیدید؟ پس چرا به راهی می روی که خود را هلاک کنی؟ امام حسین (ع) فرمود: من برای عمل به همین آیه حرکت کرده ام. یعنی ما حسین (ع) هلاکت را درما زش با یزید می دانست. برای امام حسین (ع) حفظ دین و عقیده مهم بود و برای آن مرد، حفظ بدن و بهر حال سئوال شما، سئوال ما و بسیاری مردم دیگر هم هست. میدوایم آقایان مدرسین هوا را رومقلدین وفا دار به آیت الله خوبی در ایران برای پاسخ به این سئوال و مثال آنها دلسوزانه و بدون جوسازی یک اقدام جدی مبذول فرمایند.

معرفی کتاب

عنوان کتاب : اسرار قتل رزم آرا
مؤلف : محمد ترکمان
ناشر : موسسه خدمات فرهنگی رسا
چاپ اول : ۱۳۷۰
تیراژ : ۴۰۰۰
قیمت : ۲۵۰۰ ریال

اسرار قتل رزم آرا

به کوشش
محمد ترکمان

این کتاب حاوی مجموعه اسنادی درباره ترور رزم آرا به نقل از منابع انتظامی و قضایی میباشد. در این کتاب اسنادی ملاحظه می شود که حاکی از نقش شاه و دربار در ترور رزم آرا بوده و برخی از عناصر نفوذی دربار در بین فدائیان اسلام را برملا نموده است. مؤلف در مقدمه کتاب خاطراتی را از جریان مفقود شدن بخشی از پرونده های مربوط به قتل رزم آرا در قسمت بایگانی را کد داده گستره نقل میکند. مطالعه این کتاب را به کلیه نیروهای سیاسی با لایحه پژوهشگران تاریخی توصیه میکنیم.

عنوان کتاب : ناگفته ها

مؤلف : محمود مقدسی ، سعید هشور ، حمیدرضا

شیرازی

ناشر : موسسه خدمات فرهنگی رسا

چاپ اول : ۱۳۷۰

تیراژ : ۱۱۰۰۰

قیمت : ۱۵۰۰ ریال

کتاب فوق برگردان ۱۲ نوا رمصاحبه با شهید حاج مهدی عراقی می باشد. این مصاحبه توسط انجمن اسلامی دانشجویان پاریس در پائیز ۱۳۵۷ انجام شده است و حاوی خاطرات سیاسی، تاریخی شهید عراقی با لایحه در مورد نهضت ملی شدن نفت ، فدائیان اسلام و هیئت های متولفه می باشد. شهید عراقی در این خاطرات ، جریان ترور دکتر فاطمی و مخالفت شهید نواب صفوی و اکثر کادرهای فدائیان اسلام را با این ترور بطور مشروحی توضیح داده اند. ثبت ما دقانه خاطرات سیاسی شخصیت های انقلاب مانع از تحریف حقایق تاریخی شده و دستاوردهای مبارزاتی آنها را به آیندگان منتقل می نماید.



ناگفته ها

خاطرات شهید حاج مهدی عراقی

پاریس - پائیز ۱۹۷۸ - ۱۳۵۷



یاد یادآوران :

امام خمینی (ره) ، معلم شهید شریعتی و مجاهدین شهید حنیف نژاد ، محسن و
بدیع زادگان گرامی باد

